

آموزش فا در جلسه با شاگردان آسیا-اقیانوسیه‌ای

(لی هنگجی، ۱۲ آوریل ۲۰۰۴، در نیویورک)

پرسش: بعضی از هماهنگ‌کنندگان قادر نیستند به نظرات مختلف گوش دهند. شبیه مأمورین اداری‌ای شده‌اند که بین مردم عادی یافت می‌شوند.

معلم: هماهنگ‌کنندگان باید مایل باشند و بتوانند به نظرات مختلف گوش دهند. اما اگر درباره‌ی هماهنگ‌کنندگان فکر کنید، آن‌ها هم تزکیه‌کننده‌اند و کامل نیستند. بعضی شاگردان برایشان سوال است که، "چرا کسی را که باهوش‌تر از همه است و در منطقه‌مان از همه بهتر تزکیه کرده است بر نداریم هماهنگ‌کننده کنیم؟" (حضار می‌خندند) به این شکل نیست. و چرا خود من مستقیماً بیرون نمی‌آیم و کارها را انجام نمی‌دهم؟ من می‌خواهم برای شما فرصت کمال و تکوین تقوای عظیم به‌جا بگذارم. اگر همه‌ی کارها را انجام می‌دادم، یا به شما می‌گفتم که هر امر خاص را چطور اداره کنید و شما فقط پشت سر من راه می‌افتادید، مسلماً هماهنگی خوب می‌شد، چون که [فکر می‌کردید،] "این چیزی است که استاد به ما گفت. اما و اگری ندارد. فقط استاد را دنبال کنیم". ولی آنگاه آیا هیچ تقوای عظیمی می‌داشتید؟ چه چیزی تکوین داده بودید؟ آیا در مواجهه با چالش‌ها و یا سختی، مسیر خودتان را پیموده بودید؟ فقط وقتی در حالی که به فا اعتبار می‌بخشید و با چالش‌ها روبرو می‌شوید راه‌هایی پیدا می‌کنید که امور را به‌خوبی انجام دهید، و وقتی موفقیت‌تان از تلاش‌های خودتان می‌آید - فقط آن خارق‌العاده است.

هماهنگ‌کنندگان در بین مریدان دافا در اصل فقط هماهنگ‌کننده هستند، نقاط تماس و ارتباط، و افرادی که اطلاعات را انتقال می‌دهند. درباره‌شان مثل استاد فکر نکنید، و چنین انتظارات بالایی نداشته باشید که همین‌طور که تزکیه می‌کنید به آنها تکیه کرده و انتظار داشته باشید همه چیز را دیگر درست اداره کنند. این‌طور نیست. اگر هماهنگ‌کننده واقعاً مثل استاد بود، یا می‌توانست امور را از تمام زوایا در نظر بگیرد و هیچ‌موقع اشتباه نکند، آنگاه خیلی از افراد آن منطقه نمی‌توانستند با موفقیت تزکیه کنند، چراکه با وجود او که آن‌قدر خوب امور را در نظر می‌گیرد، هیچ‌چیز نمی‌ماند که شما درباره‌اش فکر کنید. اگر او همه‌ی کارها را درست انجام می‌داد فرصتی نمی‌داشتید که کیفیت‌های عظیم‌تان را نشان دهید. متوجه مطلب هستید، درست است؟

در واقع، مدت‌ها قبل به هماهنگ‌کنندگان منطقه‌ای [و محلی] گفتم که امور را به صورت آزاد مدیریت کنند، و اینکه، به‌جز هنگامی که به تلاش‌های گروهی می‌رسد، که هماهنگی لازم دارند، نباید مسیری را که هر مرید دافا به‌عنوان یک فرد منفردی که در حال اعتباربخشی به فا است پیش می‌گیرد محدود کنند. بنابراین غیر از مواقعی که موردی است از اینکه چیز بدی برای دافا است و هماهنگ‌کننده لازم است متوقفش کند، هر مرید دافا باید به طور کامل نقش خود را ایفا کند و فعالانه آنچه را که به عنوان یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهد. همان‌طور که به اعتباربخشی به فا می‌پردازید، هر چه را که به آن فکر می‌کنید، آن را می‌بینید، با آن روبرو می‌شوید، یا می‌توانید به آن پی ببرید، بروید و انجامش دهید، و فقط آن موقع در حال پیمودن مسیر خودتان و تکوین تقوای عظیم خودتان هستید. آیا به همین صورت نیست؟ (تشویق)

در رابطه با بعضی شاگردان، درمی‌یابم که هنوز چشم‌شان به هماهنگ‌کنندگان دوخته است، و فکر می‌کنند، "آخر این هماهنگ‌کننده چرا در حد استاندارد نیست؟" (استاد می‌خندد) اگر هماهنگ‌کننده جداً واقعاً خوب بود و می‌توانست جلوتر فکر همه چیز را بکند، آن‌وقت به نظرم شاگردان دیگر در آن منطقه واقعاً هیچ راهی نداشتند که مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را به کار بگیرند. اگر یک منطقه‌ی خاص به خوبی عمل می‌کند، آن‌وقت مسلماً چیزی است شبیه به این: هماهنگ‌کنندگان صرفاً می‌گویند که چیزی لازم است انجام شود، و مریدان دافا، پیش‌قدمانه، با همدیگر هماهنگی می‌کنند و با هم به چالش‌ها غلبه می‌کنند، خرد مریدان دافا را به طور کامل به کار می‌گیرند، تا آن را به خوبی و به شکلی ایده‌آل‌تر انجام دهند. حتی وقتی هماهنگ‌کنندگان، خیلی خوب امور را در نظر نمی‌گیرند یا حتی بعضی چیزها را از نظر انداخته‌اند، مریدان دافا طی راه آن را

کامل و بی نقص خواهند کرد - و این تقوای عظیم شماسست. وقتی امور سخت‌اند رنجیده نشوید، و فکر نکنید لازم است افراد ببینید که در حال انجام چه کاری هستید. استاد می‌تواند هر چه را که انجام می‌دهید ببیند، و تمام خدایان هم همین‌طور. وقتی که خوب عمل کرده باشید، این تقوای عظیم جاویدان خود شماسست.

در تزکیه‌تان نمی‌شود همیشه به دیگران نگاه کنید. لازم است به خودتان نگاه کنید، و خودتان را تزکیه کنید. وقتی مشکلی هست، خودتان را بررسی کنید و سعی کنید مشکل شخص خودتان را پیدا کنید. وقتی می‌بینید چیزی کم و کسر است، ببینید چطور شما می‌توانید هر کار را به خوبی انجام داده، فکرتان را طی مسیر درست نگه داشته، و افکار درست و اعمال درست یک مرید دافا را در مواجهه با چالش‌ها متجلی کنید - این است که خارق‌العاده است. و به عنوان یک مرید دافا، این اعتباربخشی‌تان به فا با افکار درست است، و فقط این هنگاماً واقعاً سزاوار یک مرید دافا بودن هستید.

پرسش: برخی کشورها در منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه پیوندهای نزدیکی با شیطان دارند، و اختلاف عملکرد ما در نجات موجودات ذی‌شعور [با مناطق دیگر] عظیم است.

معلم: فقط هر قدر که می‌توانید انجام دهید، و اموری را انجام دهید که در توان‌تان هستند و در جایی که شرایط مهیا باشد. می‌توانید در مناطقی که شیطان لگام‌گسیخته است دست نگه‌دارید - این اشکالی ندارد و تقصیر شاگردان ما نیست. البته، هر جایی که مریدان دافایی وجود نداشته باشد، نجات حیات‌ها در آینده با مشکل مواجه خواهد شد؛ از آنجا که شما مرید دافا هستید به این فکر خواهید کرد. بر طبق وضعیت امور را انجام دهید، هر قدر که می‌توانید انجام دهید، و وقتی به اموری می‌رسد که نمی‌توانید انجام دهید، خواهیم دید که بعداً چه کار می‌توانیم کنیم.

پرسش: وقتی هیچ پنداشت [از پیش تصور شده] یا طرح از پیش تنظیم شده‌ای نداریم، تأثیر اعتباربخشی به فا عالی است، و وقتی عکس این حالت باشد تأثیر ضعیف است.

معلم: بله، در رابطه با بسیاری از اموری که انجام می‌دهید، وقتی آزاد از پنداشت‌های بشری هستید وابستگی‌های خودتان مخلوط نخواهد شد. اگر، و رای مسئول بودن نسبت به فا، هیچ وابستگی بشری‌ای نداشته باشید، هیچ کدام از چیزهای خودتان، و هیچ کدام از عوامل شخصی‌تان مخلوط نشده باشند، آن وقت حتماً آن کار را خوب انجام خواهید داد. در صورتی که وقتی عوامل خودتان را مخلوط کرده باشید، آن وقت نمی‌توانید آن کار را خوب انجام دهید.

موضوعی هست که باید به آن توجه کنید: شما در حال اعتباربخشی به فا هستید، نه اعتباربخشی به خودتان. مسئولیت یک مرید دافا اعتبار بخشیدن به فا است. اعتباربخشی به فا تزکیه است، و چیزی که در روند تزکیه خارج می‌کنید هیچ چیز غیر از وابستگی به خود نیست؛ نمی‌توانید به جای این بروید و مشکل اعتباربخشی به خود را بدتر کنید، حتی اگر این کارتان ندانسته باشد. وقتی به فا اعتبار می‌بخشید و تزکیه می‌کنید، این روندی است از خارج کردن "خود"، و فقط زمانی که این کار را انجام می‌دهید به‌طور واقعی دارید به خودتان اعتبار می‌بخشید. زیرا نهایتاً مجبورید تمام چیزهای بشری‌تان را رها کنید، و فقط بعد از اینکه تمام وابستگی‌های بشری‌تان را رها کرده باشید می‌توانید از همه‌ی مردم عادی قدم بیرون گذارید.

شما تزکیه‌کننده‌اید، پس لازم است تقوای عظیم داشته باشید. و تقوای عظیم‌تان از کجا می‌آید؟ آیا از رها کردن "خود" و از خودگذشته بودن در این محیط طاقت‌فرسا، و به‌طور کامل مسئول بودن نسبت به فا به عنوان یک مرید دافا، نمی‌آید؟ آیا این، خودش، تقوای عظیم نیست؟ و بیشتر اینکه، شما این را در یک محیط طاقت‌فرسا انجام دادید. هر قدر بیشتر برای "خود" تقدم قائل شوید یا [عواملی از] "خود" را مخلوط کنید، تقوای عظیم کمتری دارید، و برای همین است که احتمال موفق شدن‌تان در امور یا خوب انجام‌دادن‌شان کمتر است. امور دافا باید مقدس‌ترین باشند، و برای همین است که هر قدر کمتر از پنداشت‌های خودتان داشته باشید و عوامل خودتان را درگیر کنید، بهتر می‌توانید آنها را اداره کنید و احتمال بیشتری هست که موفق شوید.

پرسش: آیا می‌توانیم در تابلوهای بزرگی که برای نشان دادن حقیقت مربوط به دافا استفاده می‌کنیم، تصاویری از استاد را که در حین انجام تمرینات هستند شامل کنیم؟

معلم: فکر نکنم اگر به منظور روشننگری حقیقت باشد مسئله‌ای باشد - و آیا قبل از این، این کار را نکرده‌اید؟ (حضار می‌خندند)

پرسش: (معلم: همه‌ی کلمات احترام‌آمیز قبل از پرسش‌ها را بلند نمی‌خوانم، باشد؟) رسانه‌ی تلویزیونی‌ای که توسط مریدان دافا به وجود آمد نیازمند نیروی انسانی، منابع مادی، و پول برای کار در بلندمدت است. و از آنجایی که من یک مرید تایوانی هستم هم‌ترکیه‌کنندگان در ایستگاه تلویزیونی اغلب به من می‌گویند، "۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر در تایوان دافا را ترکیه می‌کنند، پس وقتی ایستگاه تلویزیونی کمک نیاز دارد نباید همیشه برای یافتن نفرات مشکل داشته باشیم". استاد، آیا تایوان می‌تواند برای روشننگری حقیقت روی ابزار تلویزیون بیشتر تمرکز کند؟

معلم: کسانی که به تکنولوژی [لازم] وارد هستند یا مهارت‌های بخصوص را دارند، خواه از تایوان باشند یا هر جای دیگر، معمولاً، حتماً از آنها استقبال می‌شود.

پرسش: وقتی پیشرفت یک ترجمه جایی گیر می‌کند، آیا به خاطر مداخله است؟

معلم: معمولاً کارهای بخصوصی که مریدان دافا انجام می‌دهند با ترکیه‌ی خودشان در ارتباط است، و در عین حال، مرتبط با شرایطشان است. در رابطه با چیزهای خاصی مثل این، باز لازم است که با هم بحث و گفتگو کنید و ببینید چطور باید آنها را بهتر اداره کنید و مسیر خودتان را بیمابید. هیچ یک از کتاب‌های خارجی‌زبان دافا توسط من ترجمه نشده است (استاد می‌خندد، حضار می‌خندند)، و هر مرید دافایی که درگیر است مسئولیت‌های مختلفی به دوش می‌کشد. کار ترجمه توسط کسی [به آنها] محول نمی‌شود. همه‌ی آن توسط افرادی انجام می‌شود که [برای رسیدن به بهترین ترجمه‌شان] فعالانه بحث و گفتگو می‌کنند و با همدیگر هماهنگی می‌کنند. پس صرفاً ببینید چطور باید بهتر انجامش دهید. در هر کاری که می‌کنید، در حال اعتبار بخشیدن به فا و ترکیه‌ی خودتان هستید، و آنها همگی کارهایی‌اند که باید انجام دهید.

پرسش: آیا برای پذیرش دانش‌آموز در یک مدرسه‌ی مینگ‌هوئی باید گزینشی و انتخابی عمل کنیم؟ (حضار می‌خندند) استاد، لطفاً در این موضوع قدری ما را راهنمایی کنید.

معلم: چیزی که فکر می‌کنم این است که شما حالا مدرسه‌ای را اداره می‌کنید، بنابراین نباید برای پذیرش، گزینشی عمل کنید. در اصل، می‌دانید، دافا فقط درباره‌ی ترکیه است - دافا هیچ چیز جز ترکیه ندارد. و هرچند امروز مسیر ترکیه‌ای که مریدان دافا پیش می‌گیرند متفاوت است - بعضی شاگردان به منظور روشننگری حقیقت، نجات عده‌ی بیشتری از مردم دنیا، تحت کنترل نگه‌داشتن آزار و شکنجه، و غیره، با هم جمع شده‌اند و رسانه‌هایی راه‌اندازی کرده‌اند یا این کار و آن کار را انجام داده‌اند - هیچ یک از آنها بخشی از خود دافا نیست. اینها مواردی‌اند از اینکه شاگردان در حالی که به فا اعتبار می‌بخشند مسیر خود را می‌پیمایند، و چیزهایی‌اند که توسط خود شاگردان ایجاد شده‌اند. بنابراین این نیز تقوای عظیم شما را تکوین می‌دهد، و ستودنی است.

از آنجا که بخشی از دافا نیست، پس باید بخشی از جامعه‌ی عادی باشد، و بنابراین با جامعه‌ی عادی باید هم‌راستا باشد. کسانی که نجات‌شان می‌دهد حیات‌هایی در اجتماع عادی هستند، پس حتی بیشتر هم لازم است که به اجتماع عادی نزدیک‌تر شوید و کاری کنید رسانه‌هایتان چیزی شوند که عموم مردم علاقمند به دیدن و شنیدن‌شان باشند. فقط به این شکل می‌توانید به تأثیر بهتری برسید.

همین هم برای مدارس مینگ‌هوئی صدق می‌کند. خود دافا مدرسه ندارد، ولی مریدان دافا در حال نجات موجودات ذی‌شعور و روشننگری حقیقت هستند، و در حال به‌جا گذاشتن بهترین چیزها برای مردم آینده، موجودات آینده، هستند، و مریدان جدید و جوان دافا را می‌پروراند. بنابراین چیزی که این بیان می‌کند این است که آنچه انجام می‌دهید همگی چیزهای خوبی هستند. پس از آنجا که کارهای خوبی برای موجودات ذی‌شعور انجام می‌دهید، نمی‌توانید بین کسانی که می‌توانند وارد شوند و کسانی که نمی‌توانند، فرق قائل شوید. آیا پذیرش افراد بیشتری از اجتماع عادی بهتر نمی‌بود؟ طور دیگری بگوییم، اگر بخواهید

به سمت داشتن یک چرخه‌ی مثبت حرکت کنید - این توان فرساست که همیشه میدان دافا سرمایه‌ی آن را تهیه کنند - آن وقت باید در جامعه ریشه کرده باشید و وارد چرخه‌ی مثبتی شوید. این راهش است.

پرسش: آیا می‌توانیم در درون نظام آموزشی و در یک مدرسه‌ی موجود، یک کلاس مینگ‌هوئی دایر کنیم؟

معلم: صرفاً بر طبق شرایطتان انجامش دهید و به هر صورتی که انجامش دهید نباید اشکالی داشته باشد. وقتی به انجام کارهای خوب برای موجودات ذی‌شعور می‌رسد، ممانعت و یا رویه‌ی تعیین شده‌ای وجود ندارد. خواه دایر کردن یک مدرسه‌ی مینگ‌هوئی باشد یا برگزاری کلاس‌های مینگ‌هوئی توسط خودتان، یا شاید معلم هستید و در کلاس به دانش‌آموزان مطابق با جن-شن-رن آموزش می‌دهید، هیچ یک از اینها مسئله‌ای ندارد. و البته، دایر کردن یک مدرسه‌ی مینگ‌هوئی صرفاً کاری عالی است. حالا که دایر شده‌اند، امیدوارم بهتر و بهتر اداره‌شان کنید، آنها را بزرگ و بزرگ‌تر سازید، و تعداد بیشتر و بیشتری از آنها را دایر کنید. آنها، برای تمام موجودات، موهبت هستند، و در خصوص موجودات شیطانی، آنها را پاکسازی می‌کند.

پرسش: خیلی وقت‌ها افرادی هستند که می‌آیند فالون گونگ را یاد بگیرند تا برای پناهندگی اقدام کنند. این مسائل را چطور باید اداره کنیم؟

معلم: (معلم می‌خندد) در اصل، واقعاً برای دولت چین مایه‌ی آبروریزی است. چطور مردم کشورهای دیگر برای پناهندگی اقدام نمی‌کنند؟ (حضار می‌خندند) چرا این همه افراد از چین درخواست پناهندگی می‌کنند؟ آیا چین ادعا نمی‌کند که "قوی" است؟ تا به حال شنیده‌اید ملتی قوی این همه افراد را داشته باشد که از آنجا فرار می‌کنند که پناهنده شوند؟ به نظر می‌آید که آن جزء "قوی" اش جعلی باشد.

طوری دیگر نگاه کنیم، تمام انگیزه‌ها به کنار، اگر افراد خواستار فرصتی باشند تا در ایالات متحده یا کشور توسعه‌یافته‌ی دیگری بمانند، آسان‌ترین راه در حال حاضر این است که با به‌کارگیری نام فالون گونگ برای پناهندگی اقدام کنند. شنیده‌ام سمینارهایی در محله‌ی چینی‌های شهر نیویورک درباره‌ی درخواست برای پناهندگی هست، و (حضار می‌خندند) آنجا به طور خاص آموزش می‌دهند که چطور فالون گونگ را یاد گرفت. البته، آنها واقعاً در حال آموزش فالون گونگ به مردم نیستند. به مردم می‌گویند که در فالون گونگ چند حرکت وجود دارد، چند تمرین، و در فالون گونگ چه کتاب‌هایی هست، به همراه اینکه مأمور امور مهاجرت در آزمونش (حضار می‌خندند) چه می‌پرسد. این کاری است که انجام می‌دهند.

به هر جهت، وقتی کسی تحت نام فالون گونگ برای پناهندگی اقدام کند، آینده‌ی خود را به فالون گونگ داده است. زیرا او دارد سرنوشت خود را با استفاده از نام فالون گونگ تغییر می‌دهد - خواه از این مطلع باشد خواه نباشد. این بیان بشری عادی‌اش بود. واقعیت این است که هر کسی برای دافا به اینجا آمد، و اگر کل دنیا برای دافا آمد، آن وقت البته که چیز مهمی نیست که از دافا کمی نفع ببرند. پس، بفرمایید [انجامش دهید]. (معلم می‌خندد) تا وقتی دولت محلی مخالفت نکند، ما هم نخواهیم کرد.

به هر حال، وقتی کسی با استفاده از نام فالون گونگ پناهندگی سیاسی گرفته است، او به فالون گونگ مدیون می‌شود چراکه آن سرنوشت او را تغییر داد. آنگاه آن فرد مطلقاً نمی‌تواند مخالف فالون گونگ باشد، در غیر این صورت در حال انحلال آینده‌ی خود خواهد بود. هیچ چیز خطرناک‌تر از این نیست. بنابراین در رابطه با افرادی مثل او، اشکالی ندارد که آنها بیایند تمرین را یاد بگیرند یا تمرینات را انجام دهند، اما در امتداد مسیر، باید به آنها درباره‌ی مخاطره‌ی موجود بگویید: "مطمئن باشید که درگیر آزار و شکنجه‌ی فالون گونگ نشوید، حتی فکر این کار را هم نکنید. این به خاطر خودتان است. این را فقط برای این به شما می‌گویم که می‌خواهید از فالون گونگ استفاده کنید؛ وگرنه هیچ چیز نمی‌گفتم".

پرسش: من، یک مرید، مایلم که برای یاری استاد در اصلاح فا از نوشتن به شکل شعر استفاده کنم. مایلم از استاد بپرسم، چگونه می‌توانم خلاقیت و مهارت‌های نوشتن خود را بهبود دهم؟

معلم: در واقع، می‌دانم چیزی که می‌خواهید بپرسید این است که چطور می‌توانید خردتان را غنی کنید تا اعتباربخشی به فا را به‌خوبی به انجام برسانید. اگر بنیه‌ی لازم را داشته باشید، مطمئناً خواهید توانست قطعات خوبی بسازید، در حالی که اگر کاملاً

فاقد این بنیه باشید در ابتدای امر تا حد معینی مشکل خواهید داشت. برای مثال، اگر بخواهید اشعار سُبک تانگ بگویید آنگاه لازم است که ابتدا در مورد مسائلی نظیر این آموزش ببینید که شعر تانگ به چه صورت است، [یا به طور مشابه،] تصنیف سونگ به چه صورت است یا درام و تصنیف یوآن به چه صورت است، و آن وقت می‌توانید سعی کنید که چیزی بسرایید. از آنجا که یک مرید دافا هستید، شاید وقتی واقعاً بخواهید که آن را انجام دهید بتوانید انجامش دهید، و به‌خوبی [بتوانید انجامش دهید]، و به‌طور قطع مطمئناً از دیگران سریع‌تر شروع به کار خواهید کرد و سریع‌تر ورزیده خواهید شد. چندین مرید دافا هستند که خیلی سریع و بدون تلاش زیاد شعر می‌سرایند؛ وقتی می‌خواهند چیزی بسرایند همان وقت می‌توانند آن را انجام دهند. ولی در رابطه با افراد عادی، چیزی سرودن برای آنها زحمت زیادی دارد، و آنها باید در وضع و حالت درستی باشند و [برای سرودن]، به این یا آن رویکرد فکر کنند. ولی در مورد مریدان دافا امور باید سریع پیش برود، هر چه هم که باشد. وقتی از "خود" حتی بیشتر دست بکشید، خردتان برای اعتباربخشی به فا، به طور طبیعی نمایان خواهد شد.

پرسش: به‌تازگی اشاره کردید که کلمات معینی در نوشته‌هایتان نیاز به بازنگری دارند. آیا می‌توانیم مستقیماً کلمات صحیح را روی کلمات قبلی بچسبانیم، به‌جای اینکه کلمات قبلی را با خراشیدن پاک کنیم؟

معلم: در اصل هر طور انجامش دهید خوب است، تا وقتی که درستشان کنید. شاگردان سرزمین اصلی چین ابزار این کار را ندارند. می‌دانم که در گذشته، بیشتر کتاب‌هایی که در سرزمین اصلی چین چاپ می‌شدند از کاغذ روزنامه استفاده می‌کردند، و [کاغذ آنها] خیلی ضخیم بود، بنابراین اگر با یک تیغ باریک به آرامی آنها را بخراشید صدمه نمی‌بیند. فقط دارم ایده‌ای به شما می‌دهم. اجبار نیست که این‌طور انجامش دهید. (حضار می‌خندند)

پرسش: بعضی دولت‌های آسیایی، به خاطر علایق اقتصادی، وانمود می‌کنند که شکنجه و آزاری را که در چین در حال وقوع است نمی‌بینند. آیا باید تلاش بیشتری صرف این نماییم که به آنها کمک کنیم واقعیت مربوط به اقتصاد چین را ببینند؟

معلم: تا وقتی هر کاری به موجودات ذی‌شعور نفع برساند، می‌توانید انجامش دهید. مردم درباره‌ی چیزها به‌طور متفاوتی فکر می‌کنند، و در زندگی خود هنجارهای مختلفی را دنبال می‌کنند. بعضی افراد ممکن است نفع مادی را آن قدر مهم در نظر بگیرند، و بعد از اینکه آنها از واقعیت‌ها مطلع شوند نتایج خوبی خواهید گرفت. ولی می‌دانم که انسان‌ها گرایش دارند که توسط علایق مادی فریفته شوند.

پس بگذارید کمی در مورد مردم این دنیا صحبت کنم. علایق مادی ضرورتاً نیروی به‌حرکت‌آورنده‌ی حیات‌های گذشته است، که خودخواه هستند. مردم دنیا فقط برای علاقه‌ی شخصی زندگی می‌کنند و توسط آن به حرکت در می‌آیند. و علاقه‌ی شخصی بیشتر از هر چیز دیگری می‌تواند باعث شود که فرد درد بکشد یا احساس خوشحالی کند، اما حتی اگر کسی آرزوهای خود را برآورده کند، آنچه به دست می‌آورد برایش چیزی پایا و ماندگار، یا چیزی عینی و واقعی نیست. گذشته از این، انسان‌ها هر قدر هم سخت برای چنین چیزهایی بجنگند این [چیزها] واقعاً دست آنها نیست، چراکه کل زندگی یک فرد در این دنیا، مدت‌ها پیش‌تر تعیین شده است، و خدایان هر قدمی را که یک انسان برمی‌دارد کنترل می‌کنند. مهم نیست فرد چه بخواهد، آن به حساب نمی‌آید، اگرچه در طلب‌بودن‌های فرد می‌تواند وابستگی شود. مردم دنیا بلااستثنا کارها را از روی علاقه‌ی شخصی انجام می‌دهند، هر چند واقعاً نمی‌توانند به آنچه که می‌خواهند برسند. انسان‌ها این‌طور هستند. صرف‌نظر از اینکه انسان‌ها بتوانند چیزی را به دست آورند یا نتوانند، بر روی آن کار خواهند کرد، و این رفتار بشری است. و نمی‌شد همین‌جا می‌نشستند و منتظر می‌ماندند چیزهای خوب جلوی پایشان بیفتد – انسان‌ها باید کار انجام دهند. وقتی چیزی باشد که متعلق به شخص است، باید کار کند تا آن را بگیرد؛ و وقتی چیزی باشد که متعلق به او نیست، از روی وابستگی‌ها به همان شکل برای گرفتن آن زحمت می‌کشد. انسان‌ها این‌طورند. واقعیت این است که، گذشته از وابسته بودن، هنگامی که انسان‌ها در این دنیا زندگی می‌کنند هیچ‌گاه نمی‌توانند سرنوشت خود را در دست بگیرند. هیچ راهی نیست که بتوانند هر چه را که می‌خواهند بگیرند. برای اینکه کسی به چیزی برسد، آن باید چیزی باشد که به عنوان بخشی از زندگی‌اش مقرر شده باشد؛ اگر آن برایش مقرر نشده باشد هرگز آن را نخواهد داشت. پیش‌تر گفته‌ام که دو چیز می‌تواند زندگی یک انسان را تغییر دهد. یکی تزکیه است، و دیگری این

است که آن موجود شروع به انحطاط کند. این چیزها می‌توانند زندگی فرد را تغییر دهند. غیر از آنها راه دیگری برای فرد نیست که زندگی خود را تغییر دهد.

پس بنابراین برای یک انسان معنی زندگی چیست؟ تجربه کردن آن احساسی که از وابسته بودن به علاقه‌ی شخصی به شما دست می‌دهد و لذت بردن از جریان یک زندگی بشری غرقه در احساسات. فکر کنید که این چقدر رقت‌بار است، و این واقعاً چه نوع احساسی است. وقتی که به چیزی می‌رسند خوشحال هستند و وقتی که آن را از دست می‌دهند ناراحت‌اند؛ وقتی که گوشت می‌خورند به نظرشان خوشمزه می‌آید، و وقتی که شکلات می‌خورند آن را شیرین می‌یابند... اما در دنیای بشری چیزهای تلخ، گزنده، و دردآور نیز وجود دارد، آن احساساتی که جوان‌ها دارند که از وابستگی‌های احساسی می‌آید، و همچنین آن احساساتی که مردم طبقات مختلف اجتماع همان‌طور که در جریان زندگی خود چیزهایی را دنبال می‌کنند، به دست می‌آورند، یا از دست می‌دهند دارند - هرچند آن به دست آوردن‌ها و از دست دادن‌ها چیزی نیست که واقعاً از تلاش بیاید. این طوری است که مردم به هنگام زندگی در این دنیا هستند. مردم خیلی رقت‌انگیزند! و با این حال مردم صرفاً نمی‌توانند پشت این مثلاً "واقعیت" را ببینند، و نمی‌خواهند هم ببینند.

بنابراین برای خدایان، اگر بخواهند تمام آن احساساتی را که انسان‌ها در این دنیا دارند شدت دهند، باید یک‌سری عوامل درگیر باشد. برای مثال، آنها برای انسان‌ها احساسات را خلق کردند؛ به آنان یک جفت چشم دادند که نمی‌تواند تصویر واقعی کیهان را ببیند، و توهم چیزهای مادی [را دادند]؛ و البته خیلی عوامل دیگری وجود دارد. فقط این موقع می‌تواند مردم را به لذت بردن از این احساسات وابسته کند - این احساساتی که خدایان تنها به بشر می‌دهند - و چنین احساساتی را تشدید کنند. بنابراین برای اینکه کاری کرد که مردم چنان احساسات شدیدی را تجربه کنند، این نیز ضروری بود که مردم را آرزومند آن احساسی کرد که فرد، هنگامی که به چیزی که می‌خواهد می‌رسد، دارد. ساده بگوییم، زندگی‌ای که انسان‌ها می‌گذرانند واقعاً صرفاً توسط علاقه‌ی شخصی به حرکت واداشته می‌شود - علاقه‌ی شخصی است که فرد را به ادامه دادن وامی‌دارد. از روی علاقه‌ی شخصی دو نفر با هم نزاع خواهند کرد؛ از روی علاقه‌ی شخصی دو ملت با هم خواهند جنگید؛ و از روی علاقه‌ی شخصی یک جنگ جهانی می‌تواند سر بگیرد. علتش این است که انسان‌ها این وابستگی، این میل علاقه‌ی شخصی را دارند. و دقیقاً چون این عوامل وجود دارند، برای خدایان آسان است که امور را کنترل کنند.

آیا این روزها مردم صحبت از حقوق بشر، آزادی عقیده و اینها نمی‌کنند؟ مریدان دافا دیده‌اند - به عنوان تزکیه‌کننده همه‌تان می‌توانید به روشنی ببینید - که هیچ چیزی اینجا در دنیای بشری قابل اطمینان نیست، و وقتی علاقه‌ی شخصی به میان می‌آید آن چیزها کنار انداخته می‌شوند. در غرب آیا خیلی از کشورها برای دموکراسی، آزادی عقیده، و حقوق بشر مشغول کار نیستند؟ به نظر می‌رسد نشانی از پیشرفت مدرنیت باشد، اما بعد وقتی توسط علاقه‌ی شخصی وسوسه می‌شوند، چند دولت علیه آن تبهکاران فرومایه در چین که شاگردان فالون گونگ را شکنجه می‌کنند چیزی می‌گویند؟ چیزی که دیده‌ایم این است که جرئت نمی‌کنند با موضوع روبرو شوند، هرچند که خیلی از قسمت‌هایی که همیشه نشان گر "پیشرفت" در نظر گرفته می‌شوند - همچون حقوق بشر، آزادی عقیده و غیره - در حال نقض شدن هستند. وقتی علاقه‌ی شخصی به میان می‌آید بسیار ضعیف و بی‌رمق می‌شوند، چیزهایی که می‌بینند را نادیده می‌گیرند، و جرئت نمی‌کنند چیزی بگویند. همه‌ی آن صحبت‌ها درباره‌ی دموکراسی، آزادی عقیده، و ... همه‌ی آن چیزهایی که مردم آن قدر آنها را ارج می‌گذارند و آن قدر شدید مدافع آنها هستند، وقتی که پای نفع مادی به میان می‌آید در یک آن بی‌معنی می‌شوند.

به عنوان مریدان دافا، این باید برای شما روشن‌تر باشد: ما نمی‌توانیم به هیچ چیز در این دنیا وابسته باشیم. ما در حالی که تا حد ممکن با اجتماع عادی مطابقت داریم تزکیه می‌کنیم، و حتی وقتی که حالا از طریق چیزهایی چون حقوق بشر و آزادی عقیده در حال روشن کردن حقیقت هستیم، باز هم برای نجات دادن موجودات ذی‌شعور است، همین. آن قبل‌ها که کمونیسم پدیدار شد، آیا مردم مدتی شیفته‌ی آن نبودند، و آیا خیلی‌ها فکر نکردند که این پیشرفت جامعه است؟ کافی نیست که شما، یک تزکیه‌کننده، فقط به چیزهای بشری اینجا وابسته نباشید - لازم است که درباره‌ی آنها هشیار نیز باشید.

نمی‌گوییم که باید با این چیزها مخالفت کنید. این باید برای یک مرید دافا روشن باشد. کاری که دارم می‌کنم این است که یک حقیقت فا را به شما برسانم و بگویم. برای بشر، اینکه امروز به این نقطه برسد، اینکه بتواند معقولانه رنج مردم را کاهش

دهد، در خصوص بشر هیچ اشتباهی در این کار نیست. اما مردم چه چیزی را واقعاً می‌توانند به انجام برسانند؟ در اصل، غیرمنطقی بودن به هنگام به‌میان آمدن علاقه‌ی شخصی نیز چیزی تحت کنترل خدایان است. و برای همین است که وقتی برای دولت یا بخش تجارت حقیقت را روشن می‌کنید، این احساس را پیدا خواهید کرد که مردم حتماً علایق عملی خودشان را مقدم می‌گیرند، افراد درگیر کسب و کار حتماً فکر وضعیت مالی شرکت خودشان را خواهند کرد، چراکه برای آنها این چیزها از همه مهم‌تر هستند. وقتی می‌روید و برای آنها حقیقت را روشن می‌کنید، زمانی که موضوع مورد بحث روی علاقه‌ی شخصی حیاتی آنها اثر می‌گذارد آنها نمی‌خواهند گوش کنند. من هم این را دیده‌ام. ولی مردم با هم فرق دارند، و همان‌طوری که گفتم، کسانی هستند که در زندگی خود اصول دیگری را دنبال می‌کنند. به این صورت است. می‌توانید بروید و این [شکل از روشنگری حقیقت] را انجام دهید، اما لازم است به طور کامل درباره‌ی امور روشن باشید، و لازم است بدانید که بشر چگونه است.

پرسش: به عنوان مرید شما، مایلم بی‌پرسم که چرا در تاریخ نظم و ترتیب داده شد که هنگ کنگ و ماکائو در سرزمین اصلی چین تحت شکل "یک کشور، دو نظام" وجود داشته باشند؟ سرچشمه‌ی تاریخی این مکان‌ها کجاست؟

معلم: از نظر منشاء تاریخی‌شان، بخشی از خاک چین‌اند. در این مقطع، نمی‌توانید بگویید که خاک کشور دیگری هستند. در خصوص "یک کشور، دو نظام"، از آنجا که همه می‌دانند که آن حزب اصلاً خوب نیست، و حتی خودشان هم می‌دانند که همه به این صورت فکر می‌کنند، خوب، در حالی که می‌خواستند این قلمروها را پس بگیرند و کاری کنند که تحت سلطه‌ی حزب دربیایند، این را هم می‌دانستند که هنگ کنگ و ماکائو با آن موافقت نخواهند کرد، و دنیا هم موافقت نخواهد کرد، بنابراین این منجر شد به "یک کشور، دو نظام". (حاضر می‌خاندند) واقعاً چیز شرم‌آوری است. چطور وقتی سایر کشورها قلمروشان بازگشت، دو نظام نگه نداشتند؟ آیا علتش این نیست که مردم، آن چیزهای شما را دوست ندارند؟

پرسش: آیا هدف واقعی از داشتن "یک کشور، دو نظام"، دادن فرصتی به مردم چین است که از وضعیت واقعی مطلع شوند؟

معلم: البته، هیچ چیز به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد، و هیچ چیز صرفاً به‌خاطر یک دلیل اتفاق نمی‌افتد. وقتی خدایان چیزی را نظم و ترتیب می‌دهند مثل انسان‌ها فکر نمی‌کنند. وقتی چیزی را نظم و ترتیب می‌دهند، موضوعات درگیر عظیم و تماماً دربرگیرنده هستند. وقتی انسان‌ها به دنیا نگاه می‌کنند، این کار را از میان یک لایه از ذرات انجام می‌دهند. برای مثال، این دنیایی که انسان‌ها می‌بینند بین دو نوع ذره است – مولکول و سیاره – و آنها به این دنیا از میان ذراتی که ساخته شده از مولکول‌اند می‌نگرند. خدایان فرق می‌کنند. یک خدا به هنگام سر و کار داشتن با موضوعی، در محدوده‌ی توانایی‌های خود، به پیامدهای آنچه که برای تمام ذرات در کیهان رخ خواهد داد نگاه می‌کند. آنها به مسائل به صورت چندبعدی و از تمام منظرها نگاه می‌کنند، و برای همین است که توسط چیزهایی که نظم و ترتیب می‌دهند هدف‌های متعددی حاصل می‌شوند.

همچنین، حتی به همین صورتی هم که هست، انسان‌ها حتی اجازه ندارند همه‌ی چیزها در این دنیا را که توسط این سطح از ذرات شکل گرفته‌اند ببینند. دلیلش این است که اگر می‌گذاشتند انسان‌ها همه چیز را ببینند، خیلی چیزها بود که علم نمی‌توانست توضیح دهد، و آن وقت حتی اگر به مردم اجازه هم نمی‌دادید به خدایان باور می‌آوردند. بنابراین برای اینکه مانع از این شد که انسان‌ها این دنیا را با وضوح کامل ببینند، مجبور بودند برای انسان‌ها یک جفت چشم مانند این درست کنند. از آنجا که چشمان انسان‌ها از ذرات مولکولی ساخته شده است، چرا این‌طور است که باز نمی‌توانند بعضی چیزهایی که از ذرات مولکولی ساخته شده‌اند و درون این محدوده هستند را ببینند؟ چون آنها برای بشر موانع بسیاری بر پا کردند. هدف واقعی از دو نظام، برآوردن نیازهای طراحی دنیا در این دوره‌ی تاریخی است. قبلاً در مورد این مسائل صحبت کرده‌ام.

پرسش: من اغلب از فرم ادبی شعر برای نوشتن مقالات روشنگری حقیقت برای وبسایت‌های دافا استفاده می‌کنم، و بعضی مواقع، برای بیان معنای درونی اعتباربخشی به فا، قواعد و فرم‌های ترکیب‌بندی شعری کلاسیک را به طور اکید دنبال

نکرده‌ام. آیا این کار اشتباه بوده است؟ اگر آن برای بیان دقیق معنای درونی انجام شود، ضروری نیست که پایبند به قواعد و فرم‌های ترکیب‌بندی شعری کلاسیک بود و یا قراردادهای را رعایت کرد - آیا این درک درست است؟

معلم: می‌خواهید که قواعدشان را نقض کنید - آیا صحبت‌تان همین است؟ در واقع، این دقیقاً ذهنیت بشر نوین بعد از نزول اخلاقیاتش است - یعنی مخالفت با سنت و آنچه که اصیل است. اینجا در حال صحبت درباره‌ی شما نیستم. این را می‌گویم که از نظر فایده، این جایی است که بشر اکنون هست. واقعیت این است که بشر در حال سر خوردن به پایین و جاهل شدن است. فرهنگ چین چیزی است که خدایان به بشر انتقال دادند، و فرهنگ هر سلسله، شامل شعر آن - خواه شعر تانگ باشد، تصنیف سونگ، یا درام و تصنیف یوان - تمامشان شکل‌هایی از فرهنگ هستند که بدن‌های کیهانی مختلف، هنگامی که برای شکل دادن پیوندهای کارمایی آمدند، برای موجودات بشری به همراه آوردند. بنابراین، اگر بخواهید آن چیزها را بسرایید بهتر این است که از قواعدشان پیروی کنید. اگر می‌گویید، "از قافیه‌سازی خوشم نمی‌آید"، خوب، اگر قافیه‌سازی را دوست ندارید این روزها شعر آزاد وجود دارد، بنابراین می‌توانید شعر آزاد بگویید. آنها چندان چیزی که نیازمند پیروی باشد ندارند، و مطابق قالب‌های مدرن هستند. ولی در اصل، به نظر من آن اشعار خیلی کم‌جاذبه هستند و هیچ معنای عمیق‌تری ندارند. از طرف دیگر، اشعاری که با قالب‌های کهن سروده می‌شوند چیزی‌اند که به دل می‌نشیند.

پرسش: مایلم از طرف مریدان دافای چونگ‌چینگ به شما درود بفرستم و افکار آنها را به شما برسانم. آنها از من خواستند حتماً آنها را به شما انتقال دهم.

معلم: از همه ممنونم. (تشویقی) استاد کاملاً مطلع است. به آنها بگویید استاد کاملاً مطلع است.

پرسش: بعضی از مریدان بعد از زندانی شدن در اردوگاه کار اجباری، بعضی مسیرهای اشتباه را پیش می‌گیرند، و مریدان دیگر بسیار دلواپس و نگران وضعیت آنان هستند. چگونه باید به آنها کمک کنیم؟

معلم: اگر به آنها باید کمک شود، کمکشان کنید. دروغ را راحت می‌شود افشا کرد. کدام "ندامت"؟ آن "ندامت" به کجا می‌خواهد هدایت کند؟ آیا همه‌اش فریب و حيله نیست؟ با برگشت به اجتماع و تفکر آرام در مورد مسائل، همه چیز روشن خواهد شد. در رابطه با همه‌ی آنهايي که فرضاً "تبدیل" شدند، آیا آنها مدت کوتاهی بعد از خارج‌شدنشان در مورد مسائل روشن نشدند؟ چند نفر آنها تمام این مدت سردرگم باقی مانده‌اند؟ در خصوص آنهايي که در تمام این مدت نتوانسته‌اند به حد نصاب برسند، علتش این است که احساس می‌کنند کارهای بد بسیار زیادی انجام داده‌اند، می‌دانند که اشتباه کرده‌اند، و از روبرو شدن با [هم] شاگردان [دافا] بیش از حد شرمسار هستند، و حالا به آن شرم وابسته شده‌اند. دلیلش این است.

پرسش: آیا برای شاگردان مان اشکالی ندارد که پول صرف کنند تا مکانی برای کار روشنگری حقیقت اجاره نمایند؟

معلم: در اصل، وقتی به روشنگری حقیقت می‌رسد، مریدان دافا همیشه از پس‌انداز و حقوق خودشان برای انجام کارها استفاده کرده‌اند. اما لازم است که چگونگی زندگی‌تان را در نظر بگیرید: نه تنها باید چگونگی زندگی‌تان را در نظر بگیرید، بلکه طرز زندگی خانواده‌تان را نیز باید در نظر بگیرید، و دیگران را مورد ملاحظه قرار دهید. اگر نتوانید زندگی خانواده‌ی خود یا زندگی خودتان را خوب اداره کنید، روشنگری حقیقت را برایتان سخت خواهد کرد. یا از نگاهی دیگر، اگر زندگی‌تان باثبات نباشد و حتی برای تهیه‌ی خوراک خود مشکل داشته باشید، آنگاه مجبور خواهید شد که توجه‌تان را به آن معطوف کنید، و آیا کار روشنگری حقیقت‌تان در واقع مختل نمی‌شود؟ پس باید شرایطتان را در نظر بگیرید. من می‌توانم قلبتان را ببینم. فقط آنچه از دستتان برمی‌آید انجام دهید.

پرسش: ممکن است استاد کمی بیشتر درباره‌ی آینده‌ی کیهان و بشر صحبت کنند؟

معلم: صحبت کردن درباره‌ی آینده در این زمان، معنی واقعی‌ای برای شما ندارد. آینده‌ی نوع بشر شگفت‌آور خواهد بود و مردمی که باقی می‌مانند سعادتمند خواهند شد. زیرا دافا در اینجا ارائه شد و بنابراین این مکان نگه داشته می‌شود، و موجوداتی

که در این دوره علیه دافا مرتکب گناه نشده باشند سعادتمند خواهند شد. به این دلیل که دافا در اینجا ارائه شد و اشاعه یافت، این برای موجودات آینده شرایط مطلوبی بنا کرد که در اینجا زندگی کنند. شاید غلات در آینده به شکل درخت میوه باشند، و هر دانه‌ی برنج به این بزرگی (با دست چیزی شبیه توپ فوتبال آمریکایی ترسیم می‌کنند). فقط یک شوخی کوچک بود. اما، نسبتاً بگوئیم، میزان مشقتی که وجود دارد بسیار کمتر خواهد بود؛ هوا و آب تمیز خواهند بود؛ آن چیزهای سمی، حشرات، پشه‌ها، مگس‌ها، [و غیره] از میان خواهند رفت؛ و دنیا واقعاً شگفت‌انگیز خواهد بود. خدایان کهن نمی‌توانند شگفتی کیهان جدید را تصور کنند چراکه نمی‌توانند آن را ببینند، و جرئت نمی‌کنند و نمی‌توانند تصور کنند به چه شکل است - تماماً روی بنیان متفاوتی ساخته شده است. موجودات قدیم خودخواه بودند، اما کیهان آینده بر پایه‌ی خودخواهی بنیان گذاشته نمی‌شود، و همه چیز بهتر خواهد بود.

پرسش: در آینده‌ی نزدیک خیلی از افراد، خودشان می‌آیند که فا را به دست آورند، پس آیا ما باید محل‌های تمرین مان را گسترش دهیم؟

معلم: البته که این کاری است که باید انجامش دهید، و در حال انجامش بوده‌اید. (حضار می‌خندند) وقتی برای یک محل [تمرین] افراد از حد ظرفیت بیشتر هستند، صرفاً یک محل تمرین جدید را راه بیندازید. بله، باید این طور انجامش داد.

پرسش: عده‌ای از شاگردان در ژاپن به هم اعتماد ندارند، که انجام بسیاری از کارهای اعتباربخشی مان به فا را سخت می‌سازد. من از این بابت غمگینم، و واقعاً امیدوارم بتوانیم خیلی زود به صورت گروهی رشد کنیم.

معلم: واقعاً. در اصل، صرف نظر از موقعیت، وقتی عوامل بد پا می‌گیرند، علتش مشکل داشتن شاگردانمان است. دیروز شاگردی مسئله‌ی نوشته‌های جعلی را پیش کشید، و من این را می‌پرسم: شما موجودی هستید که دافا تکوین تان داده است، پس چطور می‌توانید فریب آن چیزهای جعلی را بخورید؟ و چرا چیزها را با استانداردهای فا نمی‌سنجید؟ پس آیا شیطان به خاطر بیش از حد قوی بودن وابستگی‌هایتان جایگاه به دست نیاورد؟ در اصل، بعضی افراد هنوز منطقی نیستند، و افکار درستشان به اندازه‌ی کافی قوی نیست.

پرسش: در ژاپن بیشتر از هزار مذهب در حال پخش شدن هستند، و مردم ژاپن همیشه فالون گونگ را به عنوان یک مذهب توصیف می‌کنند.

معلم: این چیزی است که در مورد این فکر می‌کنم. از این پس، وقتی کسی می‌گوید که فالون گونگ مذهب است، اهمیت ندهید. اگر بخواهند بیشتر بدانند می‌توانید به آنها بگویید که چگونه فالون گونگ مذهب نیست؛ و اگر نمی‌خواهند بیشتر بدانند، لازم نیست درباره‌ی این صحبت کنید که مذهب است یا نه. اگر کسی می‌خواهد آن را یک مذهب بنامد، [خوب] بنامد، زیرا در اجتماع، عبارت "مذهب" هیچ مفهوم بدی ندارد. مریدان دافا هنگام تزکیه، شکل مذهب را بر نمی‌گیرند، چراکه آداب و رسومی را برپا نمی‌کنید و نمی‌خواهید که آن آداب و رسوم با شما مداخله کنند. چیزی که به شما می‌گویم یک اصل پایه‌ای در فا است. افراد عادی هر اندازه بتوانند آن را بفهمند... در اصل، مدت‌ها پیش به شما گفتم که افراد عادی به ما مذهب خواهند گفت. در این مورد قبلاً هنگامی که فا را آموزش می‌دادم صحبت کردم.

پرسش: آیا در نسخه‌ی ژاپنی جوآن فالون، حرف "的" که برای مثال در "目的" به کار رفته نیز باید به حرف "地" تغییر پیدا کند؟^۱

معلم: زبان ژاپنی، داستانی دیگر است، چراکه معنی‌هایش با حروف چینی‌ها فرق می‌کند. فکر می‌کنم بهتر است به نسخه‌ی ژاپنی دست نزنید.

^۱ یادداشت مترجم: این سوال در اشاره به تغییراتی است که معلم اخیراً برای متن چینی پیشنهاد کرده‌اند. نوشتار ژاپنی از حروف بسیاری استفاده می‌کند که از چین سرچشمه می‌گیرند.

پرسش: آیا این صحت ندارد که شاگردانی که بخشی از انجمن فالون دافا هستند نباید هر کاری را که شاگردان دیگر انجام می‌دهند فروشانند؟ (حضار می‌خندند)

معلم: در رابطه با کارهایی که شاگردان برای اعتباربخشی به فا و نجات تمام موجودات به‌وسیله‌ی روشنگری حقیقت انجام می‌دهند، آنان نباید آنها را متوقف کنند، و هر کسی که این کار را انجام دهد اشتباه می‌کند. اما بعضی شاگردان گرایش دارند که در امور به طور افراطی عمل کنند، و این به‌راحتی می‌تواند تأثیر منفی بگذارد. در این حالت لازم است که آنها را متوقف کرد. خیلی از شمایی که اینجا دید هم‌هنگ‌کننده‌های مناطق مختلف هستید، و یک چیز را باید به خاطر داشته باشید: به جز زمانی که هم‌هنگی کلی برای به انجام رساندن کاری لازم است، بیایید آزادی عمل بدهیم و بگذاریم شاگردان خود را آبدیده کنند، و بیایید فرصتی به آنها بدهیم که تقوای عظیم خودشان را بسازند. باید به شاگردان فرصت بدهید و بگذارید آنها امور را انجام دهند. باید این را به خاطر داشته باشید. حتی من، استادان، نیز امور را آزاد می‌گذارم و می‌گذارم شاگردانمان مسیر خود را بیمایند. وقتی شاگردی کار اشتباهی انجام داده است باید به او متذکر شوید. و اگر او واقعاً تأثیر بدی داشته است، آن وقت باید با جدیت تمام با او صحبت کنید، و ببینید چطور باید آن را درست کنید و آن اثر بد را جبران کنید. ولی نگوئید او اهریمن است. سخت است در تزکیه مرتکب اشتباه نشد، و در بین اشتباهات، برخی بزرگ خواهند بود و برخی کوچک.

بعد، در خصوص شاگردانمان، شما [شاگردان] باید نگاه جدی‌ای به خودتان بیندازید. شما مرید دافا هستید، پس نمی‌توانید نسبت به خودتان و یا دافا با بی‌مسئولیتی رفتار کنید. شما، هر چه باشد، موجودی هستید که دافا تکوین داده است، و تقوای عظیم شما در کیهان آینده درخششی فروزان خواهد داشت. پس چگونه می‌توانیم مسیر خود را به‌خوبی نیماییم؟ پس، بیایید بیش از حد تقصیر را به گردن هم‌هنگ‌کنندگان نیندازیم. فرض کنید که هم‌هنگ‌کننده عالی و بی‌نقص شد، او تزکیه‌اش را تمام کرد، ولی نگاه شما همیشه متوجه بیرون بود، بجای اینکه به‌داخل بروید خودتان را تزکیه کنید - آن وقت آیا هنوز یک تزکیه‌کننده می‌بودید؟ کسی که دارید تزکیه‌اش می‌کنید خودتان هستید. اگر واقعاً هم‌هنگ‌کننده مشکلی دارد، آن وقت به آرامی با خوش‌نیتی به او متذکر شوید. شما همه تزکیه‌کننده‌اید، و تزکیه‌کنندگان هنوز وابستگی‌های بشری دارند که هنوز برداشته نشده‌اند، وابستگی‌های بشری واقعاً در برابر تحریک شدن آسیب‌پذیرند، و وقتی تحریک می‌شوند معمولاً نقشی منفی ایفا می‌کنند. پس باید مهربان باشید و امور را به روشی مهربانانه حل و فصل کنید، باید [رفتاری] دوستانه و صمیمی [داشته] باشید، و مسائل را به‌روشنی توضیح دهید، از روی حسن‌نیت. و آن موقع امور حل می‌شوند. اما، اگر هم‌هنگ‌کننده‌ای حتی نتواند به نظرات مختلف که با خوش‌نیتی ارائه شده‌اند گوش دهد، به این معنی است که دچار مشکل شده است.

از طرف دیگر، یک تعداد خیلی کم از شاگردان ما به این شکل هستند: در ظاهر با دیگران مهربان‌اند، ولی چیزهایی که می‌گویند بسیاری از عوامل خود آنها را همراه خود دارد، حتی عواملی که دیگران را می‌آزارد. اما در ظاهر، حرف‌هایشان بسیار ملایم و مؤدبانه است. (حضار می‌خندند) این ریاکاری و گول زدن مردم است، و ابداً وضعیتی نیست که مرید دافا باید داشته باشد. اگر هم‌هنگ‌کنندگان در منطقه‌ای خاص بر پایه‌ی فا در حال تزکیه نباشند، و یا مریدان دافای آنجا سخت‌کوشانه در حال مطالعه‌ی فا نباشند، آن وقت این نوع مسائل پیچیده‌ای که درباره‌شان صحبت می‌کنیم پدیدار می‌شوند. ولی تمام مریدان دافا و هم‌هنگ‌کنندگان باید موضوعی برایشان روشن باشد: وابستگی‌های بشری یک فرد که هنوز تزکیه نشده باشند بیرون خواهند آمد، اما این معنی را نمی‌دهد که او خوب نیست؛ و بسیاری از جنبه‌های خوب تزکیه‌شده‌ی او نمایش داده نخواهند شد، چراکه هر چه باشد آن وابستگی‌های بشری را تزکیه کرده است. واقعیت این است که وقتی تزکیه‌کننده‌ای بین افراد عادی است اما دیگر هیچ وابستگی بشری‌ای ندارد، او واقعاً هیچ چیزی ندارد که بتواند تجلی پیدا کند، و مسلم است که وقتی واقعاً تا آن نقطه تزکیه کرده باشد به کمال خواهد رسید. بنابراین تا زمانی که کسی وابستگی‌های بشری دارد آنها خود را نشان خواهند داد، اما این معنی را نمی‌دهد که او تزکیه نکرده است یا اینکه خوب تزکیه نکرده است. فقط این‌طور است که در رابطه با موضوع خاص یا قسمت خاصی خیلی خوب عمل نکرد، همه باید به این موضوع توجه کنید.

به بیان دیگر، چیز مهمی نیست که وابستگی‌های بشری در حینی که خودمان را تزکیه می‌کنیم بیرون بیایند. نکته‌ی کلیدی این است که همه با او به عنوان یک تزکیه‌کننده برخورد کنند، و وقتی مشکلات پدیدار می‌شوند به درون نگاه کنید. اگر همه بتوانند این کار را کنند، وضعیت تزکیه‌ی آن منطقه مطمئناً عالی خواهد بود و تضادها مطمئناً کم خواهند بود.

پرسش: در تزکیه رهبری وجود ندارد، و دافا سازمانی ندارد. وقتی اعضا یا رؤسای انجمن‌مان با گروه‌های دیگر جامعه و با دفاتر دولتی تعاملی دارند، آیا به کار بردن عنوان "رئیس" یا "عضو انجمن" مناسب است؟

معلم: می‌گویم که مناسب است - آیا انجمن ساخته نشد تا با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید؟ پس چرا از این روش برای روشنگری حقیقت در اجتماع عادی استفاده نکرد؟ البته که بی‌اشکال است، و دولت به شما اجازه‌ی ثبت می‌دهد. ولی نمی‌توانید وابستگی به خودنمایی داشته باشید، چون شما دارید به فا اعتبار می‌بخشید، نه به خودتان. مریدان دافا تزکیه‌کنندگان حقیقی هستند. اگر اجتماع امروز به این صورتی که هست نبود، واقعاً حتی نمی‌خواستیم این انجمن‌های [دافا] را دایر کنید، و فقط در قسمت‌های مختلف، محل‌های تمرینی همراه با عده‌ای هماهنگ‌کننده داشتیم، و بعد عده‌ای هماهنگ‌کننده برای منطقه، همین و بس. در اصل، یک هماهنگ‌کننده کسی است که افراد را به دور هم جمع می‌کند، و او هم یک تزکیه‌کننده‌ی عادی است؛ او کسی است که به دیگران خدمت می‌کند و از خودش بیشتر مایه می‌گذارد.

پرسش: گروهی از بیماران سرطانی از ما می‌خواهند که برویم به آنها تمرین را یاد دهیم. آیا می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ [و سوالی دیگر این است که] ما مهارت‌های پایه‌ای برای خواندن و رقص نداریم، ولی اگر جداً دل به یادگیری و تمرین آنها بدهیم، آیا می‌توانیم در مدت‌زمان کوتاهی یک اجرای بزرگ فراهم کنیم؟

معلم: در مورد این مطلب [دوم]، کاری که از دست‌تان ساخته است را مطابق شرایط و توانایی‌هایتان انجام دهید. ولی اگر مقدمات لازم برای یک اجرای بزرگ را ندارید، با این حال اصرار به [برپایی این] اجرا داشته باشید، آن وقت تماشاچیان به شما می‌خندند. سرگرم کردن مردم ایراد ندارد، اما اگر مردم باریک‌بین باشند و شما را به مسخره بگیرند، آن وقت به نظرم تأثیر عکس می‌گذارد. پس کاری که می‌کنید باید مطابق شرایط و اوضاع باشد.

در مورد بیماران سرطانی که می‌خواهند تمرین را یاد بگیرند، بستگی به انگیزه دارد. وقتی که مردم دنیا می‌خواهند فا را به دست بیاورند، تزکیه کنند، و بگویند فالون دافا عالی است، این اعتباربخشی فعالانه‌ی انسان‌ها به فا و انتخاب فعالانه‌ی آینده‌ی خودشان است. ولی اگر شما از دافا به عنوان نوعی ابزار برای شفادرمانی استفاده کنید، و این کار را بین مردم عادی انجام دهید، آن موقع این کار در واقع بی‌احترامی نسبت به دافا است.

می‌توانید به زندان‌ها بروید تا تمرین را معرفی کنید، و می‌توانید به بیمارستان‌ها بروید تا آن را به بیماران یاد دهید. ما این کار را برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهیم. تفکرتان باید مثل وقتی باشد که برای آموزش تمرین به جاهای دیگر می‌روید، و در اصل دارید این کار را انجام می‌دهید که موجودات ذی‌شعور را نجات دهید و کاری کنید مردم فا را کسب کنند و رهایی به دست آورند. اگر دافا را به ابزاری برای اصلاح اشتباهات مردم یا معالجه‌ی بیماری‌هایشان تبدیل کنید، یا به آن به عنوان راهی برای تغییر محنت‌هایی که افراد عادی [برای خود در ذخیره دارند] فکر کنید، آن وقت این یک مشکل است. دافا منحصرأً به هدف نجات مردم در حال اشاعه در اجتماع بشری است. این موضوع باید برایتان روشن باشد. بعضی‌ها می‌گویند، "فالون گونگ در معالجه‌ی سرطان فوق‌العاده خوب عمل می‌کند. همه‌تان باید بیابید تمرینش کنید،" که در این صورت مسلماً مؤثر واقع نمی‌شود، چراکه فکرتان خارج از مسیر است. دافا اینجا نیست که مردم را شفا دهد. مشکلات را برای مردم به‌هدف نجات دادن‌شان در سطحی بنیادی، برطرف می‌کند. اگر این نقطه‌ی شروع است نتیجه مطمئناً خوب خواهد بود. اما اگر با یک وابستگی به بعضی مسائل عادی به آن پردازید، آن وقت تأثیر خوب نخواهد بود.

تزکیه چیزی باوقار است. لی هنگجی ابدأً اینجا نیامد که هدایت‌تان کند مردم را شفا دهید، و چه برسد به بعضی مسائل بشری، و ابدأً برای این نبود که هدایت‌تان کند نوعی مذهب در جامعه شروع کنید. برای آموختن این به شما که تزکیه کنید و از روی احساس مسئولیت نسبت به نجات زندگی‌تان آمد.

پرسش: در مدت انتخابات ریاست جمهوری تایوان، وابستگی‌های بشری عده‌ای از شاگردان برانگیخته شد. آیا این آزمایشی بود که نیروهای کهن ترتیب داده بودند؟ طریقه‌ی درست اداره‌ی این موضوع برای ما چیست؟

معلم: اگر آسمان هم فرو می‌ریخت، افکار درست یک تزکیه‌کننده تکان نخورده می‌ماند - این تزکیه است، و این ستودنی است. (تشویق) یک تزکیه‌کننده به هیچ چیز در این دنیا وابسته نیست. امروز تزکیه‌ی مریدان دافا شکل متفاوتی را پیش می‌گیرد. شما در تزکیه تمام سعی‌تان را در دنیای بیرون می‌کنید که با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید، در اجتماع عادی شغل‌های معمولی دارید، و خانواده و شغل و تمام اینها را دارید - پیوند نزدیکی با جامعه دارید. در خصوص انتخابات تایوان، عده‌ای از شاگردان فکر کردند که شخص خاصی خیلی خوب است و بنابراین خواستند به او رأی بدهند، در صورتی که عده‌ای دیگر فکر کردند فرد دیگری خیلی خوب است و خواستند به آن یکی رأی بدهند. مردم نظرهای مختلف و مختص خود را دارند، و این هیچ اشکالی ندارد. اعمال فردی یک نفر در جامعه معرف دافا نیست. اما نمی‌توانید به آن چیزها آن‌طور که مردم عادی وابسته‌اند وابسته باشید.

هر کسی که به او رأی می‌دهید، من، به عنوان استاد شما، نمی‌توانم بگویم اشتباه می‌کنید، و در این چیزها درگیر هم نمی‌شوم. زیرا مسیری که از شما می‌خواهم پیش بگیرید از شما می‌خواهد در اجتماع عادی تزکیه کنید. تزکیه‌کنندگان فقط می‌توانند به یک اجتماع سود برسانند. شما در اجتماع عادی تزکیه می‌کنید ولی اجتماع بشری را به این یا آن سمت نمی‌رانید. پس در مورد هر شاگرد، برای شما اشکالی ندارد که به عنوان یک فرد منفرد به هر کسی رأی بدهید. فقط اینکه نمی‌توانید بیش از حد وابسته باشید. ولی از طریق شکنجه و آزار علیه مریدان دافا در سرزمین اصلی چین، مریدان دافا از [واقعیت] چیزی با خبر شده‌اند، و بنابراین عده‌ای فکر می‌کنند، "هر کسی که به شیطانی که ما را شکنجه می‌کند نزدیک باشد، به او رأی نمی‌دهم". (تشویق) و به عنوان استاد شما مخالفتی با این نیز ندارم. (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند) اینها افکار خود شاگردان است، و به عنوان استادتان، به شما نگفتم که به چه کسی رأی دهید. حتی کمتر این‌طور است که به شما بگویم دست به هیچ عملکرد گروهی‌ای بزنید، و چنین چیزی مجاز نیست. (حضار می‌خندند)

در رابطه با بحث و صحبت شاگردان با هم در مورد مسائلی معین، این کاری است که آنها، همراه هم تزکیه‌کنندگان خود، و به صورت افراد منفرد، انجام می‌دهند. و وقتی در مورد این صحبت می‌کنید که به چه کسی رأی خواهید داد و فردی دیگر می‌خواهد به چه کسی رأی دهد، اینها همگی اعمال افراد منفرد هستند و ارتباطی با خود دافا یا انجمن دافا ندارد. یک هماهنگ‌کننده در انجمن دافا، به همین شکل، می‌تواند از حزب خاصی حمایت کند، و این عملکرد شخص اوست. این را به این علت می‌گویم که او در حال تزکیه است و در عین حال عضوی از جامعه. آیا می‌توانید از او بخواهید که در حین تزکیه به طور کامل از تمام امور بشری کنار بکشد؟ این فقط هنگامی می‌تواند اتفاق بیفتد که تزکیه‌اش به کمال رسیده باشد. بنابراین در حینی که در اجتماع عادی تزکیه می‌کند، با اجتماع در تعامل خواهد بود، و به هر کسی که بخواهد رأی خواهد داد. او دیدگاه خودش را دارد، و هیچ اشکالی در مورد آن وجود ندارد.

نتیجه‌ی انتخابات هر چه باشد، نباید منجر به برخورد و اختلاف در اجتماع شود - این بسیار خطرناک است. به عنوان یک تزکیه‌کننده باید با خودتان سختگیرتر باشید، و برای همین است که به شاگردانمان می‌گویم که نمی‌توانید تحت تأثیر وابستگی‌های بشری باشید یا مثل افراد عادی [دارای عملکردی] از روی انگیزه‌ی آنی و بدون پیش‌اندیشی باشید. دلیلش این است که شما همراه خود انرژی دارید و دارای توانایی‌هایی هستید، آنچه انجام می‌دهید عوامل بسیار بزرگ را به حرکت در می‌آورد، و تأثیری که روی اجتماع می‌گذاشتید عظیم می‌بود. پس نمی‌توانید جمعیت افراد عادی را دنبال کنید. دیدم که عده‌ای از شاگردان تا آن حد تحت تأثیر افراد عادی قرار گرفتند که عصبانی و پر از احساسات شدند، و افکار درستشان قوی نبود؛ در آن لحظه هیچ کس نمی‌توانست تصویر تزکیه‌کنندگی شما را ببیند. نمی‌توانید این‌طور عمل کنید. در آن سال طی دادخواهی ۲۵ آوریل مان، ما صلح‌جو و کاملاً معقول بودیم. ما برای اجتماع سودمندیم.

پرسش: حالا که موجودات شیطانی و خادمان تاریک نیروهای کهن زیادی باقی نمانده است، موقعی که شاگردان خوب عمل نمی‌کنند چه با آنها در حال مداخله است؟

معلم: خیلی از خادمان تاریک نیروهای کهن از بین رفته‌اند، آنها در اطراف سرزمین اصلی چین با هم قرار می‌بندند، و هر از گاهی بیرون می‌آیند که کار بدی انجام دهند. (حضار می‌خندند) و چیزی که می‌خواهم دور ریخته شود آن موجودات خدایی بدی هستند که بیرون سه قلمرواند. آنها در حال هدایت موجودات شیطانی‌اند، و برخی حتی خودشان کارها را انجام می‌دهند. ولی به هر صورت، حالا که در این مقطع است، اگر خدایی جرئت کند مستقیماً در آن چیزها شرکت کند، آن وقت حتی اگر من او را دور نریزم آن بالایی‌ها این کار را خواهند کرد. امور اکنون به سرعت در حال تغییرند.

پرسش: معنی "ماندگار یا گذرا - همه به خاطر زمان است" چیست؟

معلم: "ماندگار" اشاره به گذشتن از میان سالیان دراز و طولانی دارد و همه‌ی چیزهایی که در طول آن زمان نمایان شده‌اند. قسمت "گذرا" صرفاً اشاره دارد به برهه‌ای کوتاه از زمان. چه ماندگار باشد چه گذرا، طوری که خدایان می‌بینند، طول مفهوم زمان یکسان است. و شاید لحظه‌ای از زمان در آنجا منجر به سال‌های دراز و طولانی برای حیات‌های اینجا شود. و به چشم ما چیزی که فقط یک لحظه است، این لحظه می‌تواند دوره‌ای طولانی و ماندگار در یک میدان زمانی دیگر باشد. ضمناً آنچه دوره‌ای طولانی و ماندگار در دنیای ماست برای خدایان بسیار عظیم معینی فقط لحظه‌ای کوتاه است. زمان است که باعث تمام اینها می‌شود، و زمان است که ترفند می‌زند. معنی‌اش این است.

پرسش: من فرصت نامزدی در انتخابات شورای شهر را داشتم، و با افراد زیادی از اقشار مختلف جامعه آشنایی پیدا کردم، و این بنیان خوبی برای روشنگری حقیقت در آینده گذاشت. چون به سمت شورای شهر وارد نبودم مجبور بودم زمانی را برای یادگیری موضوعات شورا، شرکت در امور خدمات عمومی، و یادگیری این که چگونه یک عضو شورا باشم صرف کنم. بعضی اوقات درباره‌ی این موضوع خیلی احساس تعارض می‌کنم، چراکه فکر می‌کنم که وقتی را باید برای تولید برنامه‌های تلویزیونی یا شکل‌های دیگر کار روشنگری حقیقت صرف کنم.

معلم: فایه‌ی که آموزش می‌دهم درباره‌ی تزکیه در اجتماع عادی است. و وقتی در اجتماع عادی تزکیه می‌کنید، به عنوان یک مرید دافا همه نوع تعاملی با اجتماع خواهید داشت. شغل‌های مختلفی که دارید ذاتاً [این معنی را می‌دهد که شما] با اجتماع در تعامل خواهید بود. تعارضی در اینجا وجود ندارد.

در اصل، خیلی از شاگردانمان شغل‌های مختلفی دارند و در کنار کارشان حقیقت را روشن می‌کنند. فقط موضوعی از این است که چگونه به خوبی زمانتان را برنامه‌ریزی کرده و از آن استفاده کنید، موضوعی از این است که چگونه بهتر عمل کنید. من مخالف این نیستم که شغل‌های برگزیده‌ی معینی داشته باشید. کسب و کارتان هر قدر هم که بزرگ باشد و مقامتان هر قدر هم که بالا باشد، هیچ کدام اینها مغایرتی [با آنچه که انجام می‌دهیم] ندارد. می‌خواهم تأیید کنم که افراد هر قشری از جامعه می‌توانند تزکیه کنند، و [با اجازه دادن به این] واقعاً دارم نمونه‌ای به جا می‌گذارم. در تاریخ موارد خیلی کمی از نجات یافتن ثروتمندان یا صاحب‌منصبان رده بالا وجود داشت. ولی من بر آن اساس تبعیض قائل نمی‌شوم، فقط به قلب افراد نگاه می‌کنم. همه را نجات می‌دهم. (تشویق) تجربه‌ی زنده ثابت کرده که این درست بوده است - نه تنها انجام‌پذیر است، بلکه مریدان دافای من در تزکیه موفق شده‌اند. در گذشته، چون قانون بزرگ نبود، حقایقی که خدایان مختلف اعتبار می‌بخشیدند و به آنها روشن می‌شدند حقیقت بنیادی کیهان نبودند. امروز قانون بزرگ در حال منتقل شدن است، بنابراین هر کاری می‌تواند انجام شود.

پرسش: ما کار و فعالیت‌های زیادی برای اعتباربخشی به فا داریم. من وقت برای تضمین اینکه همه چیز را به انجام برسانم ندارم، و هر روز زمان کمی برای انجام تمرینات و مطالعه‌ی فا دارم.

معلم: بله، این یک مشکل است. اگر واقعاً با کار دافای واقعی معینی مشغول هستید، می‌توانید اندکی تمرینات را آسان‌تر بگیرید و بعداً وقت کنار بگذارید که جبرانش کنید. این اشکال ندارد. زیرا، در خصوص این تمرینات، می‌توانید وقتی وقت دارید

بیشتر انجامشان دهید، و وقتی وقت ندارید کمتر انجامشان دهید. استاد در این مورد به شما گفته است. با این حال، وقتی به مطالعه‌ی فا می‌رسد، فکر می‌کنم که باز لازم است برای مطالعه‌ی زمان باز کنید، حتی اگر این فقط به معنی مدت‌زمان خیلی کوتاهی باشد. اما وقتی برای مطالعه‌ی زمان باز می‌کنید مشکلی وجود دارد که احتمال پیش آمدنش هست: ذهنتان را نمی‌توانید آرام کنید، و اگر نتوانید ذهنتان را آرام کنید، در واقع بیهوده مطالعه می‌کنید و وقتتان را تلف می‌کنید. اگر قصد دارید که مطالعه کنید، لازم است هر چیز دیگری را که در ذهنتان است کنار بگذارید، ذهنتان را استوار نگه دارید، ذهنتان را آرام کنید، و واقعاً مطالعه کنید. حتی اگر فقط چند پاراگراف [به این صورت] مطالعه کنید، بهتر از خواندن کل کتاب با یک ذهن بی‌قرار است. وقتی فا را مطالعه می‌کنید باید جذبش کنید.

پرسش: آیا درست است که همه‌ی محنت‌هایی که مریدان اکنون از میان آنها می‌گذرند توسط هدف قرار دادن اصلاح دافا توسط نیروهای کهن ایجاد شده‌اند؟

معلم: نه، محنت‌های شما همگی بخشی از تزکیه‌تان هستند، و مداخله‌ی نیروهای کهن تزکیه‌ی فقط تعداد کمی از شما را هدف می‌گیرد. می‌گویم که من مداخله‌ی نیروهای کهن با مریدان دافا را به رسمیت نمی‌شناسم، زیرا مریدان دافا مریدان من‌اند، و هیچ کس دیگری لیاقت اداره‌ی آنها را ندارد. و حتی کمتر این‌طور است که بتوانیم اجازه دهیم در نقشه‌شان برای استفاده از مریدان دافا و تحمیل چیزها به مریدان دافا برای رسیدن به اهدافشان موفق شوند، و مریدان مرا تباه کنند. دلیلی که توانسته‌اند مداخله کنند این است که از وابستگی‌ها و کاستی‌هایشان استفاده برده‌اند، و همین‌طور کارمایان هست که از گذشته‌تان باقی مانده است. شکنجه و آزار همچنین از این عوامل ناشی می‌شود. اصلاح فا در ورای سه قلمرو ارتباط چندان مستقیمی با شما ندارد، اما شما طی دوره‌ی اصلاح فا اینجایید و موقعی که استاد اینجا هست اینجایید، و شما مریدان دافا در دوره‌ی اصلاح فا هستید.

پرسش: بعضی شاگردان فکر می‌کنند که اگر فقط در خانه بمانند و افکار درست بفرستند، و از تلفن زدن برای روشننگری حقیقت استفاده کنند، به عنوان مرید دافای دوره‌ی اصلاح فا به حساب می‌آیند و لازم ندارند که بیرون بیایند. آیا این اشکالی ندارد؟

معلم: اگر آنقدرها با امور دافا مشغول نباشند، آن وقت کاملاً درست نیست که برای فعالیت‌های گروهی به منظور اعتباربخشی به فا و روشننگری حقیقت، یا فعالیت‌های دیگر نظیر مطالعه‌ی گروهی فا، بیرون نیایند. مطالعه‌ی گروهی فا یک محیطی است که برایتان به وجود آوردم و یک شکلی است که برایتان به جا گذاشتم. فکر می‌کنم که هنوز باید شرکت کنید. زیرا از آزمون تجربه سربلند بیرون آمده است، و تزکیه کردن به این صورت به شاگردانمان اجازه می‌دهد که به سریعترین شکل رشد کنند. وقتی [به تنهایی] خودتان تزکیه می‌کنید، عواملی را که به شما کمک می‌کنند رشد کنید از دست می‌دهید. و آیا شمایی که مرید دافا هستید نگفته‌اید که هر طور که استادتان بگوید عمل می‌کنید؟ آیا نگفته‌اید که باید مسیری که یک مرید دافا باید پیش بگیرد را مستقیم ببینید؟

می‌توانم چالش‌هایتان را ببینم، بنابراین نمی‌خواهم بگویم که "باید" چنین و چنان کنید. به ندرت چنین چیزی می‌گویم، چون می‌دانم برایتان سخت است. از این گذشته، در تزکیه باید خودتان به درک امور برسید. من اصول فا را تشریح می‌کنم، اما لازم است که خودتان مسیر را ببینید. اگر به شما می‌گویم که "باید" چنین و چنان کنید، ولی در چیزی کوتاهی‌ای داشتید، آن وقت این کوتاهی در اصل تقصیر استاد می‌بود؛ استاد نگذاشته بود به درک [های] خودتان از آن چیز برسید یا نگذاشته بود خودتان اداره‌اش کنید، بنابراین آن قسمت از شما تزکیه نشده بود. برای همین است که به ندرت چیزها را آن‌طور بیان می‌کنم. یک مرید دافا باید مسئولیت‌هایش و آنچه را که به عنوان یک مرید دافا باید انجام دهد تشخیص دهد.

پرسش: من بارها در فعالیت‌های مهم برای اعتباربخشی به فا شرکت کرده‌ام، و پی برده‌ام که وقتی سعی داریم کار بزرگی را به انجام برسانیم، غالباً مقدار زیادی مداخله، از بین بردن کارما، و غیره وجود دارد.

معلم: از همان روز اول، اخلاص وجود داشته است، بنابراین اخلاصها بعضی مواقع پیش می‌آیند، هم بزرگ و هم کوچک. باقی‌مانده‌های نیروهای کهن و آن چیزهای بد صرفاً کنار نخواهند کشید. هر بار که فا را آموزش می‌دهم می‌تواند آن را بشنود. درست مثل شما آن را می‌شنوند، و هم‌زمان با شما، اما صرفاً به انجام آن کارها پافشاری می‌کنند. گناهانشان آن قدر عظیم است که دیگر نمی‌شود آنها را بر حسب زندگی آنان سنجید. در آینده به طور بی‌پایان تاوان گناهانشان را خواهند پرداخت، و با این وجود هم نخواهند توانست تاوان همه‌ی آن را بپردازند - گناهانشان این طور عظیم است. و وقتی به باقی‌مانده‌های نیروهای کهن در سه قلمرو، و انواع گوناگون عوامل فاسد در کیهان، می‌رسد، آن عوامل کهن نهایی در حال قربانی کردن آنها و واداشتن آنها به این هستند که تا خود پایان ادامه دهند. گناهان آن چیزها آن قدر عظیم است که گناهانشان می‌توانست آنها را به خاکستر تبدیل کند. بی‌رحمی آن عوامل بد است که آنها را به آن صورت درآورده است.

پرسش: آیا بهتر است که ذهنی ساده داشت یا پیچیده؟ و به چه دلیل؟

معلم: به چشم خدایان، اگر ذهن کسی ساده و پاک باشد، خدایان او را فرد خوبی در نظر می‌گیرند. و اگر ذهن کسی پیچیده باشد، آن وقت خدایان او را بد در نظر می‌گیرند، چراکه به طوری که خدایان می‌بینند، آیا آن به خاطر وابستگی‌های شکل گرفته در دنیای بشری، پیچیده نشده است؟ آیا پیچیده بودن نتیجه‌ی وابسته بودن به دنیای بشری نیست؟ بنابراین این حقیقتی در تزکیه است.

داشتن ذهنی ساده معنی‌اش این نیست که خرد کمی دارید، و داشتن ذهنی پیچیده معنی‌اش این نیست که خردمند هستید. و این مغایرتی با شکل تزکیه‌ای که مریدان دافا اینجا در محیط افراد عادی انجام می‌دهند یا هیچ یک از چیزهایی که امروز برای اعتباربخشی به فا در حال انجامشان هستند ندارد. خرد یک مرید دافا از افکار درست - افکار خدایی - می‌آید، و این نوع خرد با مفهوم یک ذهن پیچیده که بین افراد عادی و در جامعه شکل گرفته باشد فرق می‌کند. آن چیز هم‌همه‌اش درباره‌ی علاقه‌ی شخصی است، خودخواه است، و شکلی از حيله‌گری است که با نقشه کشیدن علیه افراد دیگر توسعه پیدا کرده است. از طرف دیگر، نقطه‌ی شروع یک مرید دافا اعتباربخشی به فا است، و در پی چیزی برای خود بودن وجود ندارد. بنابراین به طور بنیادی فرق می‌کند. دومی خرد بزرگ است، در صورتی که به اولی باید افکار پیچیده گفت. و مطمئناً هم تجلی‌هایشان با هم فرق می‌کند.

پرسش: منطقه‌ی ما اکنون مدتی طولانی است که شاگردان با سابقه‌ی بسیاری داشته که برای مدتی به مطالعه‌ی گروهی فا نیامده‌اند، و تمرینات را در بیرون نیز با ما انجام نمی‌دهند. آنها فکر می‌کنند که می‌توانند بدون آمدن به مطالعه‌ی گروهی فا، درست همان طور در خانه فا را به خوبی مطالعه کنند، و اینکه در خانه می‌توانند به همان شکل، تمرینات را هم به خوبی انجام دهند. به نظرشان این طور پرداختن به امور مانع رشد ما به صورت کل نمی‌شود.

معلم: در اصل، می‌گوییم که اگر واقعاً افرادی شبیه این وجود داشته باشند، این نتیجه‌ی وابستگی‌های بشری‌شان است. اگر باور ندارید، ریشه‌های ذهنتان را مورد کند و کاو قرار دهید و حتماً وابستگی‌ها را پیدا می‌کنید. آسان‌گیرانه بگوییم، تنبل هستید. جدی‌تر بگوییم، می‌ترسید. البته، بعضی شاگردان با سابقه، با کاری مشخص دست و بالشان بند شده است، و آن فرق می‌کند.

پرسش: اگر کسی زمانی از آن فرد ننگین در هنگ کنگ دنباله‌روی کرده باشد، آیا هنوز می‌تواند در پروژه‌های رسانه‌ای که اکنون در حال انجامشان هستیم شرکت کند؟

معلم: بهتر است که از استاد سوال خاصی نظیر این را نپرسید. بعضی شاگردان ما مرتکب اشتباه شده‌اند، اما تا زمانی که آنها را اصلاح کرده باشند خوب است - چه کسی هرگز اشتباهی نکرده است؟ بنابراین از نقطه‌نظر شاگرد [که بگوییم]، وقتی شاگردان دیگر به شما اعتماد نمی‌کنند، سرسختانه با آنها مخالفت نکنید. این فکر بدی نیست که کمی از آن موضوع دوری کنید، چراکه به این طریق هر دو طرف، فشار روانی کمتری روی خود دارند.

اگر افراد نمی‌گذارند آن کارها را انجام دهید، می‌توانید صرفاً به خیابان بروید تا فلایر پخش کنید، که به همان شکل موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد. یا می‌توانید به کنسول‌گری یا سفارتخانه بروید تا افکار درست فرستاده یا کارهای دیگر انجام دهید. می‌توانید هر یک از اینها را انجام دهید، پس چرا باید به یک کار [خاصی] وابسته باشید؟ هر چه بیشتر وابسته شوید، تأثیر بدتری به شاگردان دیگر منتقل می‌کنید، درست است؟ پس چرا روی آن پافشاری کرد؟ و آیا نیروهای کهن از این‌طور بودن‌تان برای ایجاد آشوب و اغتشاش استفاده نخواهند کرد؟ بنابراین در خصوص هر کاری که انجام می‌دهید، اگر آن بتواند از اینکه دافا را در نظر می‌گیرید ناشی شود، آنگاه فکر می‌کنم امور متفاوت خواهند بود و وضعیت تغییر خواهد کرد. پیشنهاد می‌کنم که تمام شاگردانی که با سوءظن به آنها نگرسته می‌شود، به کنسول‌گری‌ها یا سفارتخانه‌ها و به خیابان بروند تا اطلاعات را پخش کنند، به مکان‌هایی بروید که بیشتر از همه به شما نیاز دارند، و به‌طور مستقیم و رودررو برای مردم حقیقت را روشن کنید، و فعلاً درگیر کارهای داخلی پروژه‌ها نشوید. به همه نشان دهید که آیا واقعی هستید، که آیا در حد استاندارد هستید.

در مورد آنهایی که واقعاً مسئله‌دار هستند، لازم نیست نگران آنها باشید. آن افراد بین میدان دافا هستند اما در فا نیستند، و وقتی نیروهای کهن کارشان با آنها تمام شود زندگی‌شان به پایان خواهد رسید. در حقیقت، می‌دانم که بعضی از آنهایی که مسئله‌دار هستند می‌دانند که دافا خوب است، اما چون می‌ترسند دفاتر جاسوسی کارهای شرم‌آوری را که قبلاً انجام داده‌اند که باعث صدمه به افراد شده است پیش همه آشکار کنند، ترسشان آنها را به این کشانده که به انجام کارهای بد ادامه دهند در حالی که تمام مدت از بدن‌های قانون استاد التماس می‌کنند امور را بر آنها آسان‌تر کند. اما آنها چگونه می‌توانند؟ تزکیه خیلی باوقار است، مخصوصاً تزکیه‌ی یک مرید دافا - چه تقوای عظیمی! با این حال آنها دارند از روی وابستگی به این شکل التماس می‌کنند، و علاوه بر آن، ترسی کثیف و زنده دارند. آنها هیچ موافقتی دریافت نخواهند کرد، امکانش نیست. اما باقی‌مانده‌های نیروهای کهن و اهریمن‌های پوسیده می‌توانند وابستگی‌های آن افراد را ببینند، و بنابراین خود را به‌جای استاد جا می‌زنند و شما را هدایت می‌کنند یا به شما می‌گویند که انجام کارهای خاصی اشکال ندارد. با این کار دارند سعی می‌کنند که تا سرحد مرگ شما را شکنجه کنند.

پرسش: تمام میدان دافای تایوان و میدان کوچک در مدارس مینگ‌هوئی تایوان به استاد درود می‌فرستند. (معلم: متشکرم.) (همه تشویق می‌کنند) تمام میدان کوچک در کودکانستان‌های مینگ‌هوئی تایوان به استاد درود می‌فرستند. طی دوره‌ی اصلاح فا، چگونه می‌توانیم از رویکرد آموزش، برای اعتباربخشی به دافا بهتر استفاده کنیم؟

معلم: در اصل، کاری که در حال انجامش هستید اعتباربخشی به دافا است. دانش‌آموزان مدارس مینگ‌هوئی، میدان جوان شده‌اند، و این روی جامعه تأثیر داشته است، روی مدارس تأثیر گذاشته است و روی دوایر آموزشی تأثیر گذاشته است. بنابراین انجام شدن امور در عمق بیشتر و با وسعت بیشتر، این در واقع چیزی است که به امید این هستیم که انجامش دهید. (معلم می‌خندد) (تشویق) گفتم که این چیزی است که من به امید آن‌ام، اما اگر دقیق‌تر بگویم، چیزی است که تمام حیات‌ها به امید آن هستند. (معلم می‌خندد) (تشویق)

پرسش: در یک منطقه، بعد از اینکه عده‌ای تازه از چین رسیده و اظهار کردند که مرید دافا هستند، بعضی از هم‌تزرکیه‌کنندگان بلافاصله به آنها کمک کردند که برای پناهندگی اقدام کنند. آیا قبل از اینکه به آنها کمک کنیم پناهندگی بگیرند لازم است زمانی را بگذاریم تا بیشتر آنها را بشناسیم؟

معلم: وقتی به این موضوعات می‌رسد، شاگردان می‌توانند بر طبق شرایط، خودشان تصمیم بگیرند که چه انجام می‌دهند. اگر آن شخص یک مرید واقعی دافا باشد، آن وقت نمی‌توانید وقتی او سختی دارد از کمک کردن خودداری کنید. سوالات بسیار زیادی از فا از او بپرسید و موضوع روشن خواهد شد، نه؟

پرسش: بعضی شاگردان وقتی کارهایی انجام می‌دهند افراطی عمل می‌کنند و تأثیر بدی روی دافا داشته‌اند.

معلم: موجوداتی که خدایان از همه کمتر برایشان احترام قائل اند آنهایی اند که نمی‌توانند خود را پیدا کنند و هر وقت که کارهایی انجام می‌دهند فقدان افکار درست دارند. اگر کسی نتواند خود را پیدا کند، اگر نگوید که چه منظوری دارد، اگر وقتی کارهایی انجام می‌دهد افراطی عمل کند، و اگر /وی واقعی کنترل را در دست نداشته باشد، آن وقت به من بگویید، من در حال نجات چه کسی خواهم بود؟ کدام یک شما هستید؟ خدایان برای موجوداتی مثل این کمترین احترام را قائل اند. گرچه آن افراد به رده‌ی مریدان دافا پیوسته‌اند، در اصل قسمتی از دافا نیستند. واقعاً غم‌انگیز است. آنها افکار درستی ندارند.

پرسش: بعضی شاگردانی که توانایی‌های فوق‌عادی دارند فکر می‌کنند که، هنگامی که افکار درست می‌فرستند، حیات‌ها در بعدهای دیگر باید نجات پیدا کنند، و این کمی عدم نیک‌خواهی است که آنها را ریشه‌کن کرد...

معلم: اگر اصلاح فا وجود نداشت، یا اگر وقتی این اتفاق افتاد صرفاً استاد یک روش در حال راهنمایی شاگرد خود بود، آن وقت واقعاً نمی‌شد بگویید که برای مرید او داشتن این درک، اشتباه است، اگرچه استادش فکر می‌کرد که از نظر افکار صحیح کمبود دارید. هر استادی که باشد، اگر مریدی شبیه این داشت، آن مرید دیر یا زود مرخص می‌شد، زیرا اگر آنچه را که استاد شما به شما می‌گوید انجام ندهید، چه نوع مریدی هستید؟ امروز چیزی که دارد اتفاق می‌افتد متفاوت است. اصلاح فا در حال نمایان شدن است و بسیار فراتر از تزکیه‌ی شخصی یک موجود می‌رود. وقتی یک موجود با شما و با دافا مداخله می‌کند، آن موجود باید پاکسازی شود، و این دیگر موضوعی از این نیست که آیا شما به عنوان یک فرد منفرد با رحمت هستید یا نه؛ بلکه موضوعی از این است که نسبت به دافا مسئول هستید یا نه.

شما یک مرید دافا هستید، پس فکر نکنید که هدف از نجات مردم فقط این است که خود شما تا کمال تزکیه کنید. این طور نیست. مسئولیت یک مرید دافا اعتباربخشیدن به فا است. آیا حتی به فا اعتبار نمی‌بخشید؟ آیا زمانی که دافا در حال صدمه دیدن است، شما بی‌تفاوت هستید؟ مریدان دافا در سرزمین چین توسط شکنجه و آزار از سوی آن چیزها کشته شدند – آیا این ارتباطی به شما ندارد؟ شما از فا همه‌چیزی به دست آورده‌اید، در حالی که دافا در افزایش نیازمند هیچ چیزی از شما نیست. اما از آنجا که شما یکی از مریدان دافا هستید، اگر دافا از میان می‌رفت، آیا امکان داشت که شما وجود داشته باشید؟ آیا محافظت از دافا محافظت از خودتان نیست؟ در اصل، فکر می‌کنم مشکل این شاگرد فراتر از سردرگمی صرف رفته است. من خواندن آنچه را که روی برگه‌ی پرسش است تمام نکردم...

پرسش: ... مجموعه چیزهایی اختراع کرد که شامل یک تعداد بار از حفظ خواندن لون‌یو و اضافه کردن مودراه‌های^۲ خاص می‌شود، و گفت که تأثیر قدرتمندی دارد. (معلم: دیدید، نگفتم مشکل او از سردرگمی صرف فراتر رفته؟) (حضار می‌خندند) و آرام به راه افتاد که به شاگردان دیگر آموزش دهد.

معلم: این مداخله است. اکنون در حال استفاده شدن توسط اهریمن‌هاست، فقط اینکه هنوز به آن جدیت نیست. پس در مورد این شاگرد، سطحش به طور بدی تنزل پیدا کرده است، و در مقایسه با مریدان دافایی که به طریق درست و با ابهت در حال اعتباربخشی به فا هستند، خیلی ناچیز و بی‌ارزش به چشم می‌آید، (معلم آه می‌کشد) و بسیار عقب است. واقعیت این است که نمی‌تواند با شاگردان دیگر مداخله کند، چرا که بسیاری از شاگردان می‌توانند تشخیص دهند که او درست نیست، و فقط یک اقلیت کم که وابستگی‌های قوی دارند تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

پرسش: من احساس می‌کنم که نیروهای کهن برای ما بعضی زمان‌های بحرانی را نظم و ترتیب دادند و می‌خواهند ما را پایین نگه دارند، اما تا وقتی که ما آن آزمون‌ها را بگذرانیم و به آن سختی‌ها چیره شویم قادر خواهیم بود که وابستگی‌های بنیادی‌مان را رها کرده و به این ترتیب بهتر عمل کنیم.

^۲ یادداشت مترجم: این عبارت در جایی دیگر به صورت "حالت‌های دست" یا "وضعیت‌های دست" ترجمه شده است.

معلم: بله، اگر شما به هیچ چیز وابسته نبودید نیروهای کهن بهانه‌ای نمی‌داشتند و نمی‌توانستند کاری نسبت به شما انجام دهند.

پرسش: نقش تایوان در دوره‌ی اصلاح فا چیست و بعد از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کند چه خواهد بود؟
معلم: اصلاح دنیای بشری توسط فا موضوعی مربوط به آینده است. در خصوص نقش تایوان، فقط می‌توانم به شما بگویم که در حالی که [آن و سرزمین اصلی] نیاکان یکسانی دارند و به یک گروه قومی تعلق دارند، اما طرز برخورد نسبت به دافا در دو طرف تنگه، متفاوت است، و آن یک تفاوت شدید است.

پرسش: مریدان دافا مشخصاً چگونه خواهند دانست که روزی است که دوره‌ی اصلاح فا پایان می‌یابد؟
معلم: وابسته نباشید. وقتی آن روز بیاید، تاریخ این کیهان کهن به پایان خواهد رسید، و مریدان دافا به کمال خواهند رسید. آن لحظه که شما به کمال می‌رسید و به باز شدن [گونگ] می‌رسید برای یک موجود ذی‌شعور، آن فقط موضوعی از حرکت از یک ثانیه به ثانیه‌ی بعدی است – و حتی یک ثانیه هم نیست – از یک لحظه به لحظه بعد، و از خط جداکننده‌ی بین انسان و خدا بودن عبور می‌شود. تزکیه‌ی یک مرید دافا از ریزکیهان به سطح می‌رود، و برای همین است که بخشی که در ریزکیهان به طور کامل تزکیه شده است وقتی که بدن اصلی در حال کنترل آن نیست کاری انجام نخواهد داد، اما آن همه چیز را می‌داند چرا که هر چه باشد تزکیه را تمام کرده است. بخشی از شما هست که در بالاترین قلمرویی که به آن تزکیه کرده‌اید و در هر قلمروی منفرد پایین آن، تمام راه تا پایین، وجود دارد و شما وضعیت امور در تمام قلمروهایی که در آن هستید را می‌دانید. بنابراین بین یک ثانیه و ثانیه‌ی بعد، فرد بلافاصله از یک بشر بودن به یک خدا بودن می‌رود. و در آن لحظه همه چیز را خواهید دانست، و در آن لحظه یک خدای توانای مطلق و با عظمت خواهید شد.

پرسش: آیا وضعیت سیاسی کنونی در تایوان، طراحی نیروهای کهن است، یا توسط وابستگی‌های مریدان دافا به وجود آمد؟
معلم: ظاهراً شاگردان ما واقعاً دلواپس این هستند. مریدان دافا آن وضع را به وجود نیاوردند؛ آن چیزها ارتباطی به مریدان دافای ما ندارد. همه‌شان توسط عواملی که نیروهای کهن در گذشته به‌جا گذاشتند به‌وجود آمد. اما با قضاوت توسط امور در حال حاضر، به نظر می‌رسد که باقی‌مانده‌های نیروهای کهن، دیگر نمی‌توانند آرزوهای خود را به انجام برسانند.

پرسش: شاگردی هست که بعد از اینکه شیطان شکنجه و آزار خود را آغاز کرد برای دادخواهی به پکن رفت. اما بعد از آن او فقط جوآن فالون را می‌خواند و نوشته‌های جدیدتر را نمی‌خواند. ما بارها افکارمان را با او در میان گذاشته‌ایم، به این امید که از آن درک نادرست بیرون بیاید، اما هیچ موثر نبوده است. ممکن است بیرسم که برای بیدار کردن او از چه نوع "پتکی" باید استفاده شود؟ (معلم می‌خندد) (حضار می‌خندند)

معلم: با نیت خوب با او صحبت کنید و ببینید که وابستگی‌هایش چه هستند. او به سبب وابستگی‌ای یک مانع ذهنی دارد، و او ترس دارد، و اینها آن چیزهایی هستند که آن وضعیت را به بار آورده‌اند. او دروغ‌ها و تبلیغات شیطان را باور کرد – غیر از این چه؟ اما او می‌داند که فا خوب است، بنابراین در کشمکش است، و نمی‌تواند [بعضی چیزها را] رها کند. اگر واقعاً نتواند به حد نصاب برسد، آن وقت این مربوط به خود اوست. اما اگر هنوز به نجات او امید هست، پس باید به او کمک کنید.

پرسش: اخیراً از فرم اجراهای هنری برای روشنگری حقیقت به اجتماع استفاده می‌کرده‌ایم، و نتایج عالی بوده‌اند. بعضی گروه‌ها از ما دعوت کرده‌اند تا تمرینات را به نمایش بگذاریم و تمرین را آموزش دهیم، که یک گروه منحصرأ از بیماران سرطانی تشکیل می‌شود. ما ایلم بیرسم ما چطور باید آن را اداره کنیم؟ همچنین، در حال طرح‌ریزی این هستیم که اجرایی در مقیاس بزرگ را سازمان‌دهی کنیم. آیا می‌توانیم ورودیه بگیریم؟ آیا می‌توانیم برای گروه‌های دیگر پول جمع کنیم؟

معلم: مطلقاً نمی‌توانید برای گروه‌های دیگر پول جمع‌آوری کنید، و نباید کارهایی که برای مریدان دافا حائز اهمیت نیست را انجام دهید. برای مریدان دافا، اعتباربخشی به فا، روشنگری حقیقت، نجات موجودات ذی‌شعور، و نفی کردن شکنجه و آزار اولین اولویت هستند، و هیچ چیزی نباید مداخله کند. اگر کارهایی انجام دهید که ارتباطی با دافا ندارد، آنچه به دست می‌آورد ارزش آن کوشش را نخواهد داشت.

ممکن است بعضی از افراد فکر می‌کنند، "اگر برای آنها مقداری پول جمع‌آوری کنم، ممکن است که آن افراد نسبت به فالون گونگ خوب شوند." به این صورت نیست. سالهای بسیار زیادی است که فا را آموزش داده‌ام، و هرگز به این فکر نکرده‌ام که از ابزار مالی، نوعی اعتبار و قدرت، و یا نفوذ شخصی استفاده کنم که مردم فا را کسب کنند. اگر او برای فا نیاید آن وقت بی‌فایده است.

پرسش: در حالی که دعوی‌ها در جریان‌اند، آیا شاگردان ما می‌توانند حقیقت را برای قضات روشن کنند؟ آیا این یکپارچگی روند قضایی را به خطر می‌اندازد؟

معلم: صحبت درباره‌ی شکنجه و آزار نباید مسئله‌ای باشد، و برای شاگردانی که بخشی از دعوی نیستند نباید اشکالی داشته باشد که حقیقت را روشن کنند. در دنیای بشری، مردم خود را با انبوهی از بازدارنده‌ها مهر و موم کرده‌اند، اما اگر امور را با خرد انجام دهید، در حال انجام کار بدی نخواهید بود، و نباید مسئله‌ای باشد.

پرسش: یک هماهنگ‌کننده که در یک مکان توریستی به‌خصوص در هنگ‌کنگ حقیقت را روشن کرده است موفق شده که آن مکان را بسیار خوب اصلاح کند، آن واقعاً تحسین‌برانگیز است. بعضی شاگردان در مورد او به صورت یک خدا فکر می‌کنند. و بعضی شاگردان گفته‌اند که یک‌هفته رفتن به آنجا برای روشنگری حقیقت، بهتر از یک سال تمام تزکیه کردن در تایوان است. (حضار می‌خندند) (معلم: این افراط است.) به خاطر اینکه بسیاری از شاگردان از سر تحسین به آنجا می‌روند...

معلم: شاگردان ما – این را به خاطر داشته باشید – بعضی از شاگردان ما به‌خوبی عمل کرده‌اند، اما او هنوز در حال تزکیه است. بنابراین اگر آن کارها را انجام دهیم، آیا شاگردان را هدایت نخواهد کرد که وابستگی‌های جدید شکل دهند؟ و آیا شاگردان را کمی بیش از حد از خود راضی نخواهد کرد؟ بنابراین فکر می‌کنم که هنوز لازم است که مراقب باشید. بله، وقتی شاگردی در زمینه‌ای به‌خوبی تزکیه کرده باشد، باید از او یاد بگیریم. اما آن شاگرد هنوز در حال تزکیه است و باز وابستگی‌های بشری‌ای دارد که هنوز برداشته نشده‌اند، بنابراین لازم است که از فا به‌عنوان استاندارد خود استفاده کنید.

پرسش: ... اخیراً این خانم اصرار داشته که روش فرستادن افکار درست را تغییر دهد. او ترتیب بخش‌های پنج‌دقیقه‌ای را تغییر داد، پنج دقیقه‌ی اول را از زدودن تمام افکار بد در ذهن خود به ریشه‌کن کردن خادمان تاریک تغییر داد. و شاگردان دیگر را وامی‌دارد که از فرمول‌های او پیروی کنند.

معلم: دیدید، بفرمایید. (حضار می‌خندند) باعث شد وابستگی‌هایی شکل دهد – حالا دیدید چه اتفاقی افتاد؟ هدایتش کردید که امور را به روش خودش انجام دهد. برای همین است که به شما می‌گویم لازم است فا را بسیار مطالعه کنید و از فا به‌عنوان استاندارد خود استفاده کنید. هر زمان شخصی در زمینه‌ای به‌خوبی تزکیه می‌کند، به خاطر این است که در فا به‌خوبی تزکیه کرده است، نه به خاطر اینکه از فا بهتر است. پس اگر شما به جای اینکه از فا یاد بگیرید از نمونه‌ی یک شخص پیروی کنید... [به خاطر داشته باشید که] قبل از اینکه شخص تزکیه‌اش را تمام کرده باشد هنوز نقص‌هایی دارد، و وقتی در یک زمینه خوب است معنی‌اش این نیست که در تمام زمینه‌ها خوب است. حالا واقعاً اتفاق افتاده است، شما وابستگی آن شاگرد را برانگیخته‌اید. مراقب این نوع چیز باشید.

پرسش: استاد، ممکن است لطفاً درباره‌ی این صحبت کنید که چگونه می‌توانیم به روشی ظریف و هوشمندانه با استفاده از رسانه، خصوصیت جن-شن-رن کیهان را به افراد مختلف اشاعه دهیم؟ و موجودات در بهشت‌های دائویستی به چه صورت هستند؟

معلم: درباره چه حرف می‌زنید؟ (حضار می‌خندند) "... به روشی ظریف و هوشمندانه با استفاده از رسانه... به افراد مختلف اشاعه دهیم؟" چرا این‌طور به نظرم می‌رسد که این چیزی نیست که یک مرید دافا بگوید؟ شاید این شاگردی جدید باشد. روش "ظریف و هوشمندانه‌ای" در کار نیست. مریدان دافا همگی در حال انجام امور بر طبق فا هستند؛ آنها برای همه‌ی موجودات نیک‌خواهی دارند و دارند می‌گذارند که موجودات ذی‌شعور آنچه را که شگفت‌انگیز است بدانند. آنها این کار را بر پایه‌ی آنچه که مناسب شرایط مربوطه باشد و بر پایه‌ی رغبت خودشان به انجام آن، انجام می‌دهند.

بهشت‌های دائویستی به چه صورت‌اند؟ سیستم دائویستی، همان‌طور که قبلاً گفته‌ام، سیستم دائویستی در گذشته بهشت‌هایی نداشت. دائویست‌ها به‌طور انفرادی و در انزوای کامل تزکیه می‌کنند، و حتی در آسمان‌ها در غار می‌مانند. دائوها در آسمان‌ها نیز سرگردان هستند، و فقط در تعداد کمی از موارد معبد دائویستی دارند. در زمان‌های اخیر، با ظهور مذهب دائویستی، نوعی منازعه‌های بودیستی-دائویستی پیش آمده است. برای همین است که مذهب دائویستی بنا گذاشته شد، و مذهب دائویستی نیز شروع به داشتن بوداها و بودی‌ساتواها کرد. همه‌ی این چیزها حل و فصل شده‌اند.

پرسش: وقتی یک زن و شوهر هر دو مرید دافا هستند و تضادها و مشکلاتی دارند که نمی‌توانند حل و فصل شوند، آیا می‌توانند طلاق بگیرند؟ (حضار می‌خندند) آیا این هیچ ارتباطی به تزکیه دارد؟

معلم: در اصل می‌گویم که در تزکیه‌تان کوتاهی دارید، هرچند که ممکن است بعضی شاگردان بگویند که کاملاً خوب در حال عمل کردن هستید. آیا بیش از حد به آن چیزهای بشری وابسته نیستید؟ اگر هر دوی‌تان می‌توانستید از "خود" دست بکشید و به‌خوبی تزکیه کنید و چنان حس قوی‌ای از "خود" نداشته باشید، آن وقت آیا می‌شد که آن چیزها را خوب اداره نکنید، با در نظر گرفتن اینکه هر دوی زن و شوهر مرید دافا هستند؟

در رابطه با طلاق، به شما گفته‌ام که تا حد امکان مطابق با اجتماع عادی باشید؛ امروز، چه طلاق گرفتن باشد یا ازدواج کردن، من چیزی نخواهم گفت. درباره‌ی امور از نظر اصول فا صحبت می‌کنم. اما به شما می‌گویم، آن چیزها در آینده مجاز نخواهند بود. آنها از وضع کنونی اجتماع مدرن ناشی می‌شوند. من نمی‌توانم مجبور‌تان کنم که چیزها را به روش معینی انجام دهید، اما حیات‌های آینده مجاز به انجام این کار نخواهند بود، و [اگر می‌توانستند] هم این کار را نمی‌کردند.

همچنین، بگذارید کمی درباره‌ی موجودات بشری صحبت کنیم. این روزها مردم احساسات را واقعاً مهم در نظر می‌گیرند، با این حال احساسات یکی از غیرقابل‌اعتمادترین چیزهاست. "وقتی با من خوبی خوشحالم، و وقتی که دیگر با من خوب نباشی آن احساس رفته است". پس چطور می‌توانید روی این چیز حساب کنید؟ آیا پیوندهای احساسی می‌توانند یک ازدواج را حفظ کنند؟ در خصوص موجودات بشری، فقط تعهد اخلاقی نیست که مطرح است، بلکه همچنین، بین مرد و زن، شما به همدیگر دین دارید. بنابراین در رابطه با زن، وقتی که او تمام زندگی خود را در دستان شما گذاشته است، مرد باید متوجه باشد که، "این زن تمام زندگی‌اش را به من سپرده است. باید نسبت به او مسئول باشم". حس دین داشتنی که یک زن و شوهر نسبت به هم دارند چیزی است که امروزه مردم تشخیص نمی‌دهند و به آن ارزش نمی‌گذارند. البته، اکنون وضع اجتماع شبیه [آنچه که توصیف کردم] نیست، بنابراین آن را از شما انتظار ندارم. به عنوان مریدان دافا باید خودتان را به خوبی اداره کنید و بهترین سعی‌تان را کنید که از چنان چیزهایی [چون طلاق] اجتناب کنید.

البته، الان فقط درباره‌ی مردها صحبت کردم. حالا لازم است کمی درباره‌ی زن‌ها صحبت کنم. (حضار می‌خندند) خوب، راحت بیانش می‌کنم. (حضار می‌خندند) به عنوان یک زن، شما نیز لازم است مرد خود را درک کنید. خانم‌ها: همه‌تان می‌خواهید که مردتان، شوهرتان، فردی قوی، درست، و با ابهت و مردانه باشد، اما در اعمالتان همیشه او را پایین نگه می‌دارید، او را تحت چنان کنترل سفت و سختی نگه می‌دارید که او شبیه یک زن است (حضار می‌خندند). پس چگونه می‌تواند مردوار باشد؟ وقتی تمام جامعه در این وضع است، درباره‌اش فکر کنید، مردان جامعه همگی "سرکار آقا" شده‌اند، (حضار می‌خندند) و همه‌ی زن‌ها

"جناب خانم" شده‌اند، (حضار می‌خندند) - این برعکسی بین و یانگ است. البته، این طوری است که جامعه هست، و من اصرار نخواهم کرد که شما طور خاصی باشید. ما بعضی شاگردان خانم را داریم که واقعاً با استعدادند، و بعضی‌ها هستند که واقعاً خارق‌العاده هستند، (استاد می‌خندد) و بعضی وقت‌ها از نظر توانایی‌ها آقایان را پشت سر می‌گذارند. اما به طور مشابه، بسیاری از زمان‌ها واقعاً لازم است که مرد خود را درک کنید. به عنوان یک تزکیه‌کننده، باید هر کجا که هستید فرد خوبی باشید، و باید نسبت به دیگران با ملاحظه باشید - پس در خانه چرا نمی‌توانید ملاحظه‌ی شوهر خودتان را کرده و او را درک کنید؟ آیا قرار نیست که برای بشریت آینده، بهترین چیزها را به جا بگذاریم؟ وقتی هر دوی شما تزکیه‌کننده هستید باید نسبت به یکدیگر ملاحظه‌گر باشید، و با آن‌طور بودن چگونه می‌توانید درباره‌ی طلاق صحبت کنید؟ ازدواج باید چیزی ناگسستی باشد. (حضار می‌خندند) (استاد آه می‌کشد)

پرسش: مايلم از شما بخوهم که لطفاً درباره‌ی اینکه چگونه برای افراد درگیر تجارت حقیقت را روشن کنیم صحبت کنید.
معلم: انسان‌ها به علاقه‌ی شخصی وابسته هستند. برای افراد عادی، علاقه‌ی شخصی بالاتر از همه‌ی چیزهای دیگر است، و این صرفاً طوری است که انسان‌ها هستند. وقتی به آنها درباره‌ی حقیقت می‌گویید، آنها درک می‌کنند، "اوه، شما افراد خوبی هستید و دارید شکنجه می‌شوید. اما من هنوز هم لازم دارم که بروم پول به دست بیاورم". به این خاطر که کشورهای مختلف در این زمانی که فالون گونگ در حال شکنجه شدن است به سرمایه‌گذاری پول در آنجا ادامه می‌دهند، این به شیطان توانایی و سرمایه‌ی شکنجه کردن فالون گونگ را داده است، و آن کشورهایی را که پول را سرمایه‌گذاری کردند وابسته به آن بازار کرده است، بنابراین جرئت نمی‌کنند که هیچ چیزی را افشا کنند یا علیه شکنجه و آزار موضعی اتخاذ کنند. این صرفاً طوری است که انسان‌ها هستند، مگر آنکه تزکیه را در پیش بگیرند، بنابراین این نهایت چیزی است که می‌توانیم برای رساندن مطلب به آنها پیش برویم. تا جایی که به افراد درگیر تجارت مربوط می‌شود، می‌توانید به همان اکتفا کنید.

پرسش: مايلم از استاد پیرسم، شاکيامونی به "احکام، تمرکز، خرد" اعتبار بخشید و روشن‌بین شد، بنابراین درحالی که ما در فا جذب می‌شویم ما نیز باید، در درون دافا، به اصول خودمان که جذب در فا است اعتبار بخشیده و روشن‌بین شویم، آیا این درست است؟

معلم: بله، اما من خلاصه‌سازی آن چیزهایی را که قرار است به آنها اعتبار ببخشید و روشن‌بین شوید تمام نکرده‌ام، بنابراین شما هنوز نمی‌دانید که آنها چه هستند - تا زمانی که روشن‌بین شده باشید نخواهید دانست، چراکه روش تزکیه‌ی ما فرق می‌کند. نروید و فقط برای متفاوت بودن، چیزی بسازید. اگر از مسیر خارج شده و فردا نوعی عبارت جدید اختراع کنید، و اظهار کنید که "این چیزی است که در حال تزکیه‌ی آن هستم"، آن وقت به انحراف رفته‌اید.

پرسش: مریدان دافا از استرالیا، ژاپن، مالزی، (استاد: فکر می‌کنم که این را بخوانم)، استرالیا، ژاپن، مالزی، اندونزی، سنگاپور، ماکائو، کره، تایوان، نیوزلند، مریدان دافایی که به صورت غیرقانونی در اردوگاه کار اجباری زنان در پکن زندانی شده‌اند، لیوجو در استان گوانگ‌شی، می‌جو در استان گوان‌دونگ، شن‌جن، یانگ‌جو در استان جیانگ‌سو، سیدنی، مدارس مینگ‌هوئی، ژاپن، نینگ‌بو در استان جه‌جیانگ، جوهای، هانگ‌جو، چینگ‌دائو در استان شان‌دونگ، های‌یانگ، شانگ‌های، یان‌بیان، ووهان، شان‌سی، شهر جی‌لین در استان جی‌لین، شهر شوان‌چنگ در استان هی‌لنگ‌جیانگ، وی‌های، فان‌یو در استان گوانگ‌ژو، شی‌آن، پکن، و شهر جیانگ‌من در استان گوان‌دونگ به استاد با عظمت و گرمی، بالاترین دروهای خود را می‌رسانند.

معلم: از همه متشکرم. (تشویق) می‌دانم. و این مخصوصاً برای آن شاگردان در سرزمین اصلی چین این‌طور است، می‌دانم چه احساسی دارند، از دلتنگی‌شان برای استاد با خبرم، و در واقع من هم نسبت به شما همین احساس را دارم. شیطان از بین خواهد رفت؛ ابر سیاه نمی‌تواند آسمان را بپوشاند.

پرسش: وقتی برای روشن کردن حقیقت با پکن تماس گرفتیم، یک هم‌تمرین‌کننده جواب تلفن را داد. به آنها گفتم، "میردان دافا در اطراف دنیا به شما فکر می‌کنند. لطفاً به طور استوار به استاد و دافا باور داشته باشید. تحملش سخت است، اما می‌توانید تحملش کنید. انجامش سخت است، اما می‌توانید انجامش دهید". آن تمرین‌کننده از من خواست که وقتی شما را دیدم درودش را به استاد برسانم. همه دلتنگ شما هستند.

معلم: از همه تشکر می‌کنم. (تشویق)

پرسش: مايلم از سوی افسران امنیت عمومی در استان گوان‌دونگ به استاد درود برسانم. هم‌کنون تعداد (معلم: از قسمتی که در اینجا تعداد آنها را می‌گویند) می‌شوم) هستند که واقعیت شکنجه و آزار را می‌بینند.

معلم: وضعیت روشنگری حقیقت و نجات موجودات برای میردان دافای سرزمین اصلی چین سریع‌تر در حال تغییر است تا به صورت بین‌المللی، و علتش این است که هر چه باشد تعداد بسیاری از میردان دافا آنجا هستند؛ تقریباً ۱۰۰ میلیون مرید دافا در حال اعمال تأثیری بسیار عظیم در نفی شکنجه و آزار هستند. روشنگری حقیقت در سراسر دنیا و نجات موجودات در خارج از سرزمین اصلی چین به مردم همه‌ی جاها کمک کرده است که از حقیقت آگاه شوند و شکنجه و آزار را محکوم کنند، و شیطان را پاک‌سازی کرده است. این نتیجه‌ی اصلاح فا و تلاش‌های جمعی میردان دافا در سراسر دنیا است. اما در رابطه با اینکه شکنجه و آزار در سرزمین اصلی چین پیش از رسیدن اصلاح فا متوقف شود، میردان دافا در سرزمین اصلی چین باز باید نقش اصلی را ایفا کنند. در مورد شکنجه و آزار کنونی، عده‌ی زیادی از عموم مردم در چین از آن به تنگ آمده‌اند، و فقط عموم مردم نیست، در طبقات بالاتر جامعه نیز و حتی در رکن بالایی حکومت، افراد زیادی پا پیش گذاشته‌اند تا درباره‌ی واقعیت‌های شکنجه و آزار علیه فالون‌گونگ، مستقیماً صحبت کنند. به زودی مردم برخاسته و این شکنجه و آزار را محکوم خواهند کرد.

پرسش: در نوشته‌های اخیر ذکر کرده‌اید که مسئولیت‌های بزرگ‌تری در آینده در انتظار ما است. آیا این به پایین آمدن ما به دنیای فانی بعد از کمال، به منظور نجات موجودات ذی‌شعورمان اشاره می‌کند؟

معلم: آنچه در حال حاضر دارید انجام می‌دهید نجات موجودات ذی‌شعور است. نمی‌توانید به بالا بروید و بعد برگردید. (حضرار می‌خندند) چه کسی می‌خواهد که برگردد؟ شما اینجا هستید و فکر می‌کنید این مکان بسیار خوب است، اما دلیلش این است که چشمان شما نمی‌تواند واقعیت چیزها در اینجا را ببیند. وقتی به آن بالا برسید و نگاهی به عقب بیندازید، اینجا در این دنیای بشری را صرفاً کثیف می‌یابید، و حتی اگر از شما خواسته می‌شد هم نمی‌خواستید برگردید. و برای همین است که می‌گوییم آن موجوداتی که جرئت کردند به اینجا بیایند و فا را کسب کنند همگی ارزش ارج نهادن را دارند. اما شکنجه و آزار توسط نیروهای کهن موجب شده است که موجودات ذی‌شعور علیه دافا مرتکب گناه شوند، و اعمال موجودات بشری در طی این شکنجه و آزار واقعاً افراد بسیار زیادی را تباه کرده است، و حیات‌های بسیار زیادی را تباه کرده است.

پرسش: میردانی که معلولیت دارند چگونه باید فرستادن افکار درست را اداره کنند؟ این را می‌پرسم چون دست راست من فلج است.

معلم: آن وقت می‌توانید از دست چپ‌تان استفاده کنید. اهمیتی ندارد، چراکه وقتی افکار درست می‌فرستید حتی استفاده نکردن از هیچ حالت دست نیز اشکال ندارد. از شما خواستیم از حالت‌های دست استفاده کنید تا به شما کمک کنم که حس قوی‌تری از این داشته باشید که دارید افکار درست می‌فرستید، تا به شما حس بیشتری از فرمان دادن بدهد، همین.

پرسش: در تایوان، چگونه می‌توانیم هم‌ترکیه‌کنندگان را ترغیب کنیم که از منفعل بودن در اعتباربخشی به فا به فعال بودن تغییر یابند، و قدر اندوخته‌ی زمانی پایانی در اصلاح فا را بدانند؟

معلم: در مورد این، در اصل، من درباره‌ی شاگردان در تایوان از همه کمتر نگرانم. به خاطر طرز برخورد دولت نسبت به دافا در آنجا، آن زیاد نگرانم نمی‌کند. و به این خاطر که با در دسترس بودن فا، شاگردان در آنجا خیلی خوب عمل کرده‌اند. گاهی

این طور احساس می‌کنم که آنچه آنها در حال انجامش هستند مشابه چیزی است که آن موقع که من در چین بودم روی داد. (تشیویق) در رابطه با یک تعداد خیلی کم از افراد که در مناطقی معین خوب عمل نمی‌کنند، این تجلی‌ای از این روند است که یک شاگرد درک بهتری به دست آورد و [تجلی‌ای از] این روند که شاگردان جدید به بلوغ برسند، و تمامی آن رفته‌رفته بهتر خواهد شد. اخلاط‌هایی که آنها در تزکیه‌ی شخصی‌شان با آن روبرو می‌شوند مثل شکنجه و آزار در سرزمین چین نیست، اما مسلم است که غالباً آزمایش‌هایی برای افراد منفرد وجود خواهد داشت. بنابراین به عنوان تزکیه‌کننده، شما باید آن را به طور صحیح درک کنید. نمی‌توانید از آزمون‌ها و آزمایش‌ها در ترس باشید. اگر تمام روزهایتان را در آسایش و خوشی کامل می‌گذرانید آیا در حال تزکیه می‌بودید؟

پرسش: وقتی ما فا را با شاگردان چینی مطالعه می‌کنیم، یک پاراگراف را به چینی می‌خوانیم و بعد یک پاراگراف را به ژاپنی. بعضی شاگردان چینی فکر می‌کنند که مطالعه‌ی فا به این شکل، خیلی آهسته است و به اندازه‌ی خواندن به صورت یک گروه [ژاپنی]، مؤثر نیست.

معلم: من فکر می‌کنم که هر دو روش خوب است، اشکالی ندارد که شاگردان ژاپنی‌زبان با هم بخوانند و شاگردان چینی‌زبان با هم. هر چه که برای شما آسان‌تر است. قانون مطلق وجود ندارد. صرفاً هر چه را که به افراد کمک می‌کند که رشد کنند انجام دهید.

پرسش: سن من نسبتاً کم است. وقتی در بعضی هم‌تذکیه‌کنندگانی که سن‌شان از من بیشتر است وابستگی‌هایی می‌بینم، جرئت نمی‌کنم آنها را مطرح کنم. آیا این ترس است - یک وابستگی؟

معلم: نترسید. وقتی چیزی می‌بینید که نادرست است می‌توانید درباره‌اش صحبت کنید. حتی مریدان خیلی خیلی کم‌سن هم می‌توانند درباره‌ی آنچه که می‌بینند صحبت کنند.

پرسش: شاگردی را می‌شناسم که چندین سال پیش مرتکب اشتباه عظیمی شد و واقعاً تأثیری منفی روی دافا داشت. حالا او در وضعیت واقعاً دشواری است. آیا باید به او کمک کنم؟

معلم: اگر آن شخص کارهای بدی انجام داد و تمرین [تزکیه] را متوقف کرد، آن وقت نمی‌توانید به او شاگرد بگویید. در حال حاضر همه‌تان با روشنگری حقیقت مشغول هستید، بنابراین می‌توانید برای خودتان قضاوت کنید که آیا می‌ارزد که وقت خیلی زیادی را برای کمک به او بگذارید یا نه. با در نظر گرفتن [کارهایی] که در حال حاضر دارید، اینکه سبک و سنگین کنید که آیا کاری مثل آن را انجام دهید و اینکه آیا آن فرد می‌تواند هنوز نجات یابد، اینها چیزهایی‌اند که شما باید بر اساس شرایط تصمیم بگیرید.

پرسش: تایوان جایی است که در خارج از چین، روزنامه‌های چینی‌زبان در آن از همه جا بیشتر خوانده می‌شوند. استاد، ممکن است لطفاً ما را در رابطه با آینده‌ی انتشار یک روزنامه در تایوان قدری راهنمایی کنید.

معلم: باز همان را می‌گوییم: خودتان بر اساس شرایط و توانایی‌های شاگردان تصمیم بگیرید. از استاد نخواهید که چیزی را تأیید کند. یکبار که استاد چیزی بگوید، شما خواهید گفت، "استاد آن را گفت"، و اعتنا نمی‌کنید که آیا آن شدنی است، آیا چالش‌هایی وجود دارد، و آیا شرایط مهیا هست، و همه چیز را نادیده گرفته و به انجام آن اصرار می‌ورزید. برای همین است که می‌گوییم باید امور را بر حسب شرایطتان طرح‌ریزی کنید.

پرسش: چگونه باید "عبار پوشاننده را می‌زدایم، و تمام واقعیت‌هایشان دیده می‌شود" را درک کنیم؟

معلم: "عبار پوشاننده را می‌زدایم" ... از آغاز زمان در کیهان تا حال حاضر، میزان سنجش‌ناپذیری از زمان گذشته است. همیشه بدن‌های کیهانی‌ای هستند که متلاشی می‌شوند، درست مثل متابولیسم. آنها فاسد می‌شوند و سپس دوباره شکل

می‌گیرند، و شکل گرفته و سپس دوباره فاسد می‌شوند. به این خاطر، علم بشر در اصل بر این باور است که انفجاری بزرگ آن چیزی است که جهان را پدید آورد. غبار کیهان به پایین فرو می‌افتاده است، و عناصر بد، پیوسته در حال پایین رفتن هستند. از بالا تا پایین، هیچ سطحی به آن خالصی که در گذشته بود نیست. و مخصوصاً سه قلمرو، بدتر و بدتر شده است؛ مدت‌های طولانی است که با غبار پوشانده شده است، و غبار مدام ضخیم‌تر می‌شود. وقتی قبلاً ماه به بالا فرستاده شد، به بزرگی امروز نبود؛ حالا ضخامت سطح بیرونی آن ده‌ها کیلومتر افزایش یافته است. بنابراین در خصوص "غبار پوشاننده را می‌زدایم، و تمام واقعیت‌هایشان دیده می‌شود"، موجودات ذی‌شعور توسط برخی عوامل خارجی پوشانده شده‌اند، و خیلی از عناصر بد حتی خود موجودات را ناخالص کرده‌اند، و مخصوصاً بشریت در طی شکنجه و آزار دافا توسط شیطان بیرونی کنترل شده است. بنابراین بعد از اینکه این چیزها پاک شوند نگاه دیگری خواهیم انداخت و خواهیم دید که آن موجودات چگونه هستند. معنی‌اش این است. (تسویق)

پرسش: طرح‌ریزی کلی و هماهنگی هر دو در رابطه با هر موضوعی مطرح هستند. چرا این‌طور است که به هماهنگی تسویق نموده ولی به طرح‌ریزی کلی تسویق نمی‌نمایید؟

معلم: صرفاً نیاز دارید که با هم جمع شده و گفتگو کنید که چگونه امور را انجام دهید. اصلاح فایده‌جوی خود را دارد. در اصل، آنچه که شما در حال انجامش هستید صرفاً سه کار است؛ بنیاد و اساس پیش از این معین شده است. با نقطه‌ی کانونی بودن سه کار، شما درمی‌یابید که چگونه آنها را به‌خوبی انجام دهید و هم‌زمان خودتان را به‌خوبی تزکیه کرده و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید – سخت‌ترین قسمت، نجات موجودات ذی‌شعور است. انجام خوب امور در واقع موضوعی از هماهنگی است. وقتی می‌گوییم هماهنگی، در حال صحبت درباره‌ی با هم به خوبی همکاری و کار کردن هستیم. اعتباربخشی به فایده‌ی تزکیه است، و اگر همگی‌تان به درون نگاه کنید می‌توانید به‌خوبی همکاری کنید. دافا تزکیه است، و چیز دیگری وجود ندارد. مریدان دافا در حال انجام کارهایی برای روشنگری حقیقت هستند تا، اولاً، تمام موجودات را نجات دهند، و ثانیاً، شکنجه و آزار را مهار کنند، شکنجه و آزار را افشا کنند، و با آن مخالفت نمایند. ما هدف دیگری نداریم. بنابراین در مورد فعالیت‌هایی که مریدان دافا سازماندهی می‌کنند و روشنگری حقیقت از طریق شکل رسانه، شما با هم جمع می‌شوید و چیزها را طرح‌ریزی می‌کنید، و آنها چیزهایی هستند که شاگردان ما به عنوان افراد منفرد انجام می‌دهند.

پرسش: آیا عوامل بیرون کیهان، چیزی مثل همان آب بی‌حیات و ساکن هستند؟

معلم: آب بی‌حیاتی که در موردش صحبت کردم فقط شکلی در سطحی معین از کیهان است. کیهان آن قدر پیچیده است که با زبان انسان قابل توصیف نیست. در نقطه‌ی معینی حتی آب هم وجود ندارد، آن دیگر آب نیست. کیهان فوق‌العاده عظیم است، و در هر قلمروی بسیار بزرگ یک دلیل بنیادی پشت خلقت آن کیهان وجود دارد، اما هیچ یک از آنها آن بنیادی‌ترین دلیل نیست. اما برای موجودات در قلمرویی مفروض، وقتی آنها تمام آن را می‌بینند فکر می‌کنند که آن، دلیل بنیادی است. این پدیده‌ی خیلی متداولی است.

پرسش: آیا هماهنگ‌کنندگان در انجمن دافا می‌توانند خود را بالاتر از شاگردان قرار دهند؟ شاگردان قادر نیستند انتقادی مطرح کنند، و هماهنگ‌کننده‌ی اصلی در حال شکل دادن گروه‌ها و دسته‌بندی‌هایی است.

معلم: فکر می‌کنم که اگر هماهنگ‌کننده‌ای در واقع آن مشکل را دارد، آن وقت او واقعاً لازم دارد که به آن توجه کند. چرا شاگردان درباره‌ی شما، یک هماهنگ‌کننده، آن‌طور فکر می‌کنند؟ شاید این آن موردی است که ما مشکلات بسیار زیادی داریم؟ اکنون باید واقعاً روی آن فکر کنید. هماهنگ‌کنندگان، خوب در اصل، وقتی که می‌گوییم هماهنگ‌کنندگان، یا افراد با موقعیت‌های مسئولیتی، این فقط یک اسم است. آنها "مسئول" چه هستند؟ آیا می‌توانید مسئول دافا باشید؟ آیا واقعاً می‌توانید آن را اداره کنید؟ در اصل شما صرفاً رابط هستید، افرادی که به دیگران خدمت می‌کنند، و شما قدرت یا اختیاری ندارید. همه را

به خوبی هماهنگی کنید، و این بهترین کارکردی است که می‌توانید در کمک کردن به استاد، در این سطح ظاهری بشری داشته باشید.

به نظر نمی‌رسد گفتن اینکه هماهنگ‌کنندگان در حال گرد آوردن طرفداران برای شکل دادن یک گروه هستند مناسب باشد. آیا همه‌ی هماهنگ‌کنندگان در اصل در حال مراقبت و سرپرستی همه‌ی شاگردان نیستند؟ شاید بعضی اوقات او به آنهایی که در اطراف او هستند نزدیک‌تر به نظر برسد، و احتمال دارد که این در شاگردان چنان برداشتی به وجود بیاورد. اگر شاگردان معینی مسائلی با هماهنگ‌کننده داشته باشند و کاستی‌های هماهنگ‌کننده را در بین عده‌ای از شاگردان پخش کنند، آن وقت مشکل فقط مربوط به هماهنگ‌کننده نمی‌شود. شما دارید تزکیه می‌کنید، پس چرا در حال نگاه به درون نیستید؟ شما دارید در بین شاگردان نسبت به هماهنگ‌کننده مخالفت و خصومت ایجاد می‌کنید، دارید گروهی از افراد را به مخالفت‌ورزی با هماهنگ‌کننده هدایت می‌کنید، و این، بی‌مسئولیتی هم نسبت به خودتان و هم نسبت به دافا است. من به هر دو جنبه نگاه می‌کنم.

بنابراین در خصوص هماهنگ‌کننده، شما لازم است که خوب عمل کنید؛ و در خصوص شاگردان، شما نمی‌توانید همیشه روی هماهنگ‌کننده متمرکز باشید. شما یک مرید دافا هستید، و هر فرد در حال تزکیه‌ی خودش است، اما شما در حال چه کاری هستید؟ آیا فقط دارید به هماهنگ‌کننده کمک می‌کنید که تزکیه کند؟ آیا خودتان را تزکیه نمی‌کنید؟ آیا مشکل این نیست؟ اما در خصوص هماهنگ‌کننده، آیا شما حقیقتاً مشکلی جدی دارید؟ اگر نتوانید به استاد کمک کنید که شاگردان در ناحیه‌ی خودتان را به خوبی هدایت کنید، آن وقت آیا خودتان مشکلاتی ندارید؟ می‌دانید من چه فکر می‌کنم؟ من نمی‌توانم هیچ کدام از مریدان دافا را جا بگذارم. هر فردی خانواده‌ی من است، پس چطور می‌توانید با اعضای مختلف خانواده‌ی من به طور متفاوت رفتار کنید؟ وقتی به کار دافا می‌رسد قطعاً از شما، هماهنگ‌کنندگان، حمایت می‌کنم، و به‌خوبی راهنمایی کردن شاگردان محلی واقعاً کمک بزرگی است. گفته‌ای هست که افراد عادی دارند: "یک فرد سوال برانگیز را به کار نگیر؛ اگر فردی را به کار گرفتی از او سوال نکن." این چیزی است که افراد عادی می‌گویند. دافا در حال تکوین شما است، اما به عنوان مریدان دافای ما، شما باید همه‌ی وابستگی‌هایتان را خارج کنید، شامل وابستگی به یک هماهنگ‌کننده یا یک رهبر بودن. هر کسی یک تزکیه‌کننده است. فقط این طور است که شما کسی هستید که برای دیگران به میزان بیشتری از خودتان می‌بخشید. پس هماهنگ‌کنندگان، این چیزی است که به عنوان استاد شما برای شما لازم می‌دانم.

انجام کار دافا نیز تزکیه کردن است، و هیچ یک از شیوه‌های کاری در اجتماع عادی به اینکه چگونه به یک هماهنگ‌بودن در دافا می‌پردازید هیچ ارتباطی ندارد. به بیان دیگر، این شکل یا روش کار، پیش‌تر وجود نداشت، که فرد هم مسئولیت دارد و هم یک تزکیه‌کننده‌ی عادی است. شما در حال اکتشاف مسیرهای خودتان هستید، و هر هماهنگ‌کننده‌ی دافا در حال آبدیده کردن خودش است. در ابتدا شاید او خیلی خوب عمل نکرد، اما به تدریج باید به بلوغ برسد. و در طی آن روند مطمئناً کاستی‌هایی داشته و اشتباه‌هایی خواهد کرد، و این، روند آبدیده شدن است. این طوری است که من به عنوان استاد شما به آن نگاه می‌کنم. نمی‌توانم او را قبل از اینکه تا بلوغ آبدیده شده باشد با فردی دیگر جایگزین کنم و از اول شروع به آبدیده کردن آن فرد جدید کنم، چراکه در آن روند، اشتباهات بسیار زیادی وجود خواهد داشت و شاگردان شکایات بسیار زیادی خواهند داشت، و این می‌تواند حتی به وضع کلی دافا صدمه وارد آورده و محل اعتباربخشی مریدان دافا به فا به صورت یک بدن شود.

وقتی هماهنگ‌کننده‌ای مشکلی دارد، شاگردان باید آن را به او متذکر شوند، و حتی به صورت جدی آن را به او گوشزد کنند. در خصوص شاگرد، شما باید برای دافا تقدم قائل شوید، به جای اینکه همیشه برای نظرات خودتان تقدم قائل شده و متذکر شوید که چگونه دیگران در اشتباه هستند. اگر هماهنگ‌کننده‌ی خاصی در انجمن دافا واقعاً در حال عقب‌نگه‌داشتن شاگردان از انجام کارها است، آن وقت او مشکلی جدی دارد، چراکه این به منزله‌ی مداخله با این است که هر مرید دافا مسیر اعتباربخشی به فای خود را پیماید. اگر آن فرد حقیقتاً این‌طور است، آن وقت لازم است درباره‌ی اینکه آیا آن فرد مناسب است فکر کنیم؛ عملی نخواهد بود که او آن‌طور ادامه دهد. اما اگر غیر از این است، یا اگر بعضی شاگردان در واقع امور را آشفته کرده باشند، و مایل نباشند که به اندرز و صلاح‌دید هماهنگ‌کننده گوش کنند و آن را برگردانند و اظهار کنند که او در حال مداخله با

اعتباربخشی شاگردان به فا است، آن وقت این اصلاً خوب نیست. در این حالت، چرا مریدان دافا نمی‌توانند به امور از نقطه نظر دافا نگاه کنند؟ من می‌خواهم که هر فرد تا بلوغ آبدیده شود.

از زاویه دیگری که به آن نگاه کنیم، تضادهای شما در واقع آزمایش‌هایی هستند که لازم دارید در روند رشد، آنها را بگذرانید. شما همگی در حال رشد خودتان هستید، و هر فرد باید رو به درون به خودش نگاه کند. در طرف هماهنگ‌کننده، وقتی که آن مشکلات پدیدار می‌شوند نمی‌توانیم بگوییم که شما مسئول نیستید - باید مسئولیت آن را به دوش بکشید. وقتی هدایت چنان گروه بزرگی از شاگردان را خوب انجام نداده‌اید مسئولیت بزرگ است، و باید متوجه این باشید. به عنوان استادتان، نمی‌توانم یک مرید را هم جا بگذارم، و به شما می‌گویم که به عنوان یک هماهنگ‌کننده، شما نمی‌توانید یک عدد از مریدان مرا جا بگذارید. (تشویق) وقتی شاگردی رابطه‌اش با شما خوب است، امور را با او انجام می‌دهید، و وقتی کسی به شما گوش نمی‌دهد، او را بیرون نگه می‌دارید؟ نمی‌توانید این‌طور باشید، و به عنوان استادتان من این نوع هماهنگ‌کننده نمی‌خواهم. لازم است به طریقی هماهنگی کنید که به افراد اجازه دهد با هم کار کنند، و لازم است که پیوسته بر پایه‌ی فا رشد کنید و محیطی صالح را شکل دهید، به طوری که مریدان دافا بتوانند امور اعتباربخشی به فا همچون روشنگری حقیقت، نجات موجودات ذی‌شعور، و مهار شکنجه و آزار را به‌خوبی انجام دهند.

پرسش: در چهار سال گذشته، بعضی شاگردان فالون گونگ از سرزمین اصلی چین پول بسیار زیادی خرج کرده‌اند که برای کار کردن به کره بیایند. وضعیت مهاجرت آنان غیرقانونی است، و درآمد ماهانه‌شان هفت تا ده هزار یوآن است. قادر نیستند که مسئولیتی را که یک مرید دافا، در طی دوره‌ی اصلاح فا دارد تشخیص دهند، و اینجا آمده‌اند که صرفاً پول جمع کنند و پول به خانه بفرستند. حتی می‌گویند که این توسط استاد نظم و ترتیب داده شده است. مایلم بپرسم که چگونه می‌توانیم این شاگردان را متقاعد سازیم که به چین برگشته که به فا اعتبار ببخشند؟

معلم: زمانی که مرید دافایی می‌بیند که وضعیت در چین سخت و ترسناک است، اینکه هنوز مریدان دافای بیشتری هستند که در حال شکنجه شدن‌اند، و اینکه خیلی از مردم دنیا در حال مسموم شدن هستند، اگر یک مرید دافا چیزهایی را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام ندهد، آن وقت آیا او هنوز مرید دافا است؟ اشکال ندارد که برای انجام امور دافا چین را ترک کرد، اما اگر فردی امور دافا را انجام نمی‌دهد، چگونه می‌تواند لایق مرید دافا بودن باشد؟ خواه در سرزمین اصلی چین باشند یا در خارج، باید هنوز مریدان دافا باشند. یکبار که همانند افراد عادی شوند افراد عادی هستند. بنابراین در خصوص این شاگردان، باید به آنها به‌روشنی توضیح دهید که اگر بخواهند آنجا بمانند لازم دارند که آنچه را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهند.

پرسش: اخیراً، اختلاف نظرها و عدم درک‌ها در بین هم‌ترکیه‌کنندگان نسبتاً بزرگ بوده است. مایلم از استاد بپرسم که آیا این به این خاطر است که هر چه در مراحل آخر ترکیه پیش‌تر می‌رویم، اختلاف بین سطح هم‌ترکیه‌کنندگان بزرگ‌تر می‌شود؟ یا اینکه نیروهای کهن هستند که در حال مداخله‌اند؟

معلم: راست است که اختلاف‌ها بین سطح شاگردان در حال بزرگ شدن است، اما مداخله‌ی نیروهای کهن نیز هیچ‌گاه متوقف نشده است. بنابراین هر زمان که در نظر شاگردی عوامل شخصی وجود داشته باشند، آن مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. این پدیده دیگر آنقدرها روی نمی‌دهد. در اصل، درباره‌ی چنین چیزی بارها صحبت کرده‌ام. شاگردان ترکیه‌کننده یک وجود جمعی هستند، و انواع افکار هنوز خارج نشده متجلی خواهند شد. اگر نخواهید که به درون نگاه کنید و خودتان را ترکیه کنید، آن وقت وضعیتی پیچیده شکل خواهد گرفت. پس وقتی این مشکلات در ناحیه‌ای پدیدار می‌شود، مطمئناً این‌طور است که مشکلی در خصوص مطالعه فای آن ناحیه وجود دارد. تمام آنهايي که درگیرند [تا اندازه‌ای] مسئول هستند و خودشان را خوب ترکیه نکرده‌اند، یا دست‌کم در خصوص آن یک موضوع.

پرسش: ما چگونه با یک مذهب، متفاوت هستیم؟

معلم: دافا بی شکل است! مسیری که امروز شما را در آن روانه می‌کنم خالص‌ترین است. ما هر چیز با شکل را به کنار انداختیم، و فقط به قلب نگاه می‌کنیم. تزکیه اساس تعالی یک موجود است، در حالی که هر چیزی که درباره‌ی شکل خارجی است وابستگی‌ها را برخواهد انگیخت. نگاه کنید که چند فرد مذهبی امروز وجود دارد که از بوداییان، داثوها، یا خدایان پیروی نکرده بلکه در عوض از شکل‌های مذهب پیروی می‌کنند. چیزی که آنها به آن اعتقاد دارند خدایان نیست، بلکه شکل مذهب است و علت ساختن مذاهب – یک دنیا تفاوت هست. اعتقاد به خدایان و اعتقاد به مذاهب – اینها از هم بسیار دورند. مذاهب وابستگی‌های افراد به خود شکل‌ها را بیدار می‌کند، و آنها به‌طور جدی ایمان صالح مردم به خدایان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. عواملی در شکل‌ها وجود دارد که رشد یک تزکیه‌کننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پرسش: بعضی از اوقات وقتی با آزمون‌ها روبرو می‌شوم نمی‌دانم نتیجه‌ای از کارمای خودم است یا نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن.

معلم: صرف‌نظر از اینکه نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن است یا کارما، باید اول از همه خودمان را بررسی کنیم. حتی وقتی هم که افکار درست می‌فرستید از شما می‌خواهم که ابتدا خودتان را پاک کنید. اول به خودتان نگاه کنید، و اگر پی بردید که مشکلی دارید، به آن رسیدگی کنید. با این کار، نیروهای کهن قادر نخواهند هیچ کاری انجام دهند؛ وقتی نمی‌توانند چیزی بیابند که علیه شما به کار ببرند عقب خواهند کشید. البته، در زمان حاضر حتی اگر نیروهای کهن بخوانند که عقب بکشند این تماش نمی‌کند – به‌طور کامل پاک‌سازی‌شان کنید. وقتی برای فرستادن افکار درست می‌نشینید بعد از اینکه خودتان را پاک می‌کنید، آنها را پاک‌سازی کنید. (تسویق)

پرسش: بعد از خواندن "دسته‌ی طبل‌های کمری" در "هنگ‌بین ۲"، به این درک رسیدم که صف طبل‌های کمری، تأثیر از بین بردن شیطان و اصلاح کردن فا را دارد.

معلم: بله، صدای ضربه‌هایتان در خود، جن - شن - رن را حمل می‌کنند، و در آن صداها توانایی‌های مریدان دافا متجلی می‌شوند.

پرسش: مریدان جوان در تایوان یک دسته‌ی طبل‌های سبک غربی شکل داده‌اند. من فکر می‌کنم که باید یک دسته‌ی طبل‌های کمری شکل دهند. (حضار می‌خندند)

معلم: نگذارید شکل‌ها شما را محدود کند. هر چیزی که مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا انجام می‌دهند قدرت دارد. در اصل، دسته‌ی طبل‌های کمری صرفاً ایده‌ای بود که شاگردان نیویورکی به آن رسیدند. ما غالباً در رژه‌های اجتماع عادی شرکت می‌کنیم، و خواسته‌ایم که به مردم دنیا جنبه‌ی عادی زندگی یک مرید دافا را نشان دهیم. هر بار که آنها در رژه‌ای بودند سبک لباس سلسله‌ی تانگ، دختران آسمانی، و غیره را داشتند، بنابراین آنها به فکر افتادند که، "آیا می‌توانیم چیز دیگری ایجاد کنیم؟" و به این ترتیب ایده‌ی یک دسته‌ی طبل‌های کمری پدیدار شد. ما می‌توانیم از شکل‌های گوناگونی استفاده کنیم، بنابراین اگر ایده‌ای دارید و فکر می‌کنید که انجام‌پذیر است، آن هم بی‌اشکال است.

پرسش: شرایط هر چه هم که باشد، ما همگی در دافا پابرجا خواهیم بود، و همیشه استاد را دنبال خواهیم کرد، در هر قدم از راه، تا مأموریت اعتباربخشی‌مان به فا را کامل کنیم.

معلم: بله، به عنوان مریدان دافا، همه‌ی شمایی که اینجا هستید ممکن است این فکر را داشته باشید، و برای همین است که در وضعیت اعتباربخشی به فا در این دنیا تغییرات عظیمی وجود داشته است، برای همین است که امروز شیطان کاهش یافته است، و برای همین است که می‌توانیم موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم. (تسویق)

پرسش: فکر می‌کنم که بعضی شاگردان در استرالیا در حال پیروی از فانیستند بلکه در حال پیروی از افراد و صرفاً همراهی جمعیت هستند، و در حال اخلال در اصلاح فانی و تلاش‌مان برای نجات مردم دنیا هستند. و شاگردانی هستند که دوست دارند امور را تحت انحصار درآورند و وقتی قادر نیستند چیزی را به انجام برسانند آشکارا به همه نمی‌گویند. امور را با همه مطرح نمی‌کنند و امور را به طور شفاف انجام نمی‌دهند. دیگران فکر می‌کنند که آنها در حال انجام کارهای والا و خارق‌العاده‌ای هستند، در حالی که در واقع هیچ چیز اساسی‌ای را به انجام نرسانده‌اند، و به همه نمی‌گویند که زمان باارزش را تلف کرده‌اند. آنها آن شاگردانی را که واقعاً کار انجام می‌دهند از گود خارج می‌کنند.

معلم: درباره‌ی وضعیت استرالیا می‌دانم. وابستگی‌های بشری بعضی شاگردان هنوز کاملاً قوی است. استاد چشم‌به‌راه است که چه وقت همگی می‌توانید از "خود" قدم به بیرون بگذارید.

پرسش: اگر سازمان یک فرد عادی نگذارد که ما تحت نام دافا در یک رژه شرکت کنیم، آیا می‌توانیم از نام دیگری استفاده کنیم یا صرفاً باید اصلاً شرکت نکنیم؟

معلم: اگر مورد این است البته که نمی‌توانیم شرکت کنیم. آیا میدان دافا برای تفریح به آنها ملحق می‌شوند؟ میدان دافا آمدند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، بنابراین [به رژه‌ها ملحق می‌شویم] تا دافا را به مردم دنیا نشان دهیم و بگذاریم که بدانند دافا اینجاست. اگر نمی‌گذارند این کار را انجام دهیم، آن وقت البته که شرکت نخواهیم کرد. اما شرکت نکردن یک راه حل نیست - چرا آنها نمی‌گذارند [از نام دافا استفاده کنیم]؟ باید بروید با آنها صحبت کنید، و می‌توانید حقیقت را روشن کنید. اگر انگیزه‌ی سیاسی در پشت آن دارند، آن وقت ما نیز می‌توانیم آن را از طریق ابزار قانونی حل و فصل نماییم؛ مهم نیست چقدر طول بکشد، آن لازم است که در سطحی بنیادی حل و فصل شود.

پرسش: در رابطه با رسانه‌هایی که توسط مریدان دافا اداره می‌شود، در بسیاری از مناطق آسیا آنها به سرعت آمریکایی شمالی توسعه پیدا نکرده‌اند. چگونه می‌توانیم این نوع کار را بهتر انجام دهیم؟

معلم: صرفاً امور را بر طبق منابعی که در دسترس دارید و محیط و وضعیت کنونی‌تان انجام دهید. استاد شما را به انجام هیچ کاری مجبور نمی‌کند و نمی‌تواند آن اندازه به طور خاص شما را جهت‌دهی کند. در خصوص اعتباربخشی به فانی، شما در حال پیمودن مسیرهای خودتان هستید، و من نمی‌توانم اینجا بنشینم و بگویم که باید به چیزهای معینی دست پیدا کنید، چراکه هر وضعیت متفاوت است. امور را بر اساس وضعیت‌تان به طور محلی انجام دهید.

پرسش: در طول دو سال گذشته، فقط تعداد کمی از شاگردان برای انجام تمرینات به محل تمرین می‌آمده‌اند. آیا درست است که شاگردان در خارج، همگی می‌توانند تمرینات را در خانه انجام دهند؟

معلم: البته که نه. در اصل، می‌دانم بزرگ‌ترین دلیل این است که شاگردان ما کار واقعی بسیار زیادی برای روشننگری حقیقت بر عهده گرفته‌اند، و به خاطر اینکه خیلی مشغول هستند وقت کمتری دارند که بیرون بیایند و تمرینات را انجام دهند. اگر مورد این است که طبیعی است. اما اگر نیست، آن وقت غیرطبیعی است. از آن شاگردانی که بیرون نمی‌آیند بیشتر جویا شوید.

پرسش: مریدان ژاپنی در طی فعالیت‌های اخیرشان مورد مداخله قرار گرفته‌اند. باید چه کار کنیم؟

معلم: ژاپن... خوب، هر جا که مشکلی پیش می‌آید، آنجا جایی است که باید بروید که حقیقت را روشن کنید. روحیه‌ی ژاپنی این گونه است که تا زمانی که چیزی حاصل نشده باشد دست بر نمی‌دارد. دافا به هر شکلی برای مردم خوب است، و هر جا که برای روشننگری حقیقت می‌رویم، در اصل داریم بذری خوبی (شن) را پخش می‌کنیم، عوامل بد را در آنجا پاکسازی می‌کنیم، و برای حیات‌های آنجا سعادت به همراه می‌آوریم. مردم سمی دارند که آگاه است. در خصوص بسیاری از امور، وقتی همه‌ی افراد با همدیگر همکاری کنند، آنها بهتر پیش خواهند رفت. امیدوارم که بتوانید توجه و انرژی کمتری را روی این صرف کنید که چه کسی خوب عمل کرده و چه کسی خوب عمل نکرده است، چه کسی خوب است و چه کسی بد است، یا این و آن شخص

چگونه است - تمام توجه خود و تمام انرژی خود را معطوف و صرف اعتباربخشی به فا کنید. (تثویق) وقتی همه‌تان بتوانید بنا همدیگر همکاری کنید و در امور مربوط به اعتباربخشی به فا خوب عمل کنید، این زمانی است که تقوای عظیم‌تان را بنا می‌کنید. وقتی در حال اظهار نظر درباره‌ی این هستید که چه کسی خوب است و چه کسی بد، خدایان به شما حتی نگاه درستی نخواهند انداخت.

البته، بعضی افراد مشکلاتی دارند و باید مورد انتقاد قرار گیرند. باید مشکل را از روی حس مسئولیتی نسبت به فا حل و فصل کنیم و این کار را با حسن نیت انجام دهیم، فا را اولین اولویت قرار دهیم، و باید از رویکرد یک انسان عادی مطلقاً اجتناب کنیم.

پرسش: من مریدی از کره هستم. بعضی هم‌تذکیه‌کنندگان می‌خواهند بدانند که آیا این مناسب است که بعضی از هم‌تذکیه‌کنندگانی که رسانه‌ای را اداره می‌کنند حقوق دریافت کنند.

معلم: این چیزی است که در شروع به افراد گفتم: گفتم که مریدان دافا در دایر کردن رسانه‌ها خوب عمل کردند، و اینکه شما لازم است به جامعه راه یابید، وارد چرخه‌ی مثبتی شوید، از نظر مالی مستقل شوید، درست مثل رسانه‌های معمولی شوید که قادرید حقوق پرداخت کرده و نیازهای زندگی آنان را برآورده سازید به طوری که بتوانند به طور تمام‌وقت برای آن کار کنند - که البته عالی خواهد بود - و رسانه‌های جریان اصلی شوید. اما تا زمانی که به آن نقطه رسیده و برای حقوق سرمایه داشته باشید، پرداخت حقوق با پول کمک‌شده توسط شاگردان مان مطلقاً مجاز نیست. در حالی که دیگران دارند برای دافا از خود مایه می‌گذارند، آیا شما می‌توانید برای آن در حال دریافت چیزی باشید؟ به عنوان یک مرید دافا باید صرفاً آنچه که می‌توانید در کار گذارید - خواه آن پول، تلاش، یا هر چیز دیگری باشد. اگر واقعاً بتوانید [مثل رسانه‌های دیگر] در جامعه عمل کنید، و سودآور شده و حقوق بپردازید، آن وقت حتی اگر زیاد هم نباشد، هر کسی می‌تواند سهمی را دریافت کند، و وقتی پول بیشتری وجود دارد می‌توانید مقدار بیشتری را تسهیم کنید. اگر آنگاه سودهای بیشتری داشته باشید و بتوانید به سطح حقوق رایج برسید، آنگاه استادتان برای شما خوشحال خواهد بود. پس، شرط این است که قبل از اینکه به آن نقطه برسید نمی‌توانید با استفاده از کمک‌ها از سوی شاگردان مان حقوق بپردازید.

پرسش: پروژه‌ی روزنامه بیش از پنجاه نفر را به خود اختصاص داده است. چگونه می‌توانیم [منابع مان را] بهتر برنامه‌ریزی کنیم؟ این روی پروژه‌های دیگر تأثیر گذاشته است.

معلم: لازم است که این امور را به خوبی هماهنگی کنید. روزنامه در مراحل اولیه‌ی خود است، بنابراین به کمک از سوی تعداد زیادی از افراد نیاز دارد، اما سعی کنید منابع انسانی را تلف نکنید. بیش از پنجاه نفر بسیار زیاد است، چراکه باید این امر را که هر فرد لازم است مسیر خود را بپیماید و امور دیگری را انجام دهد در نظر بگیرید. در مرحله‌ی آغازین اداره‌ی یک روزنامه، امور ممکن است نسبتاً سخت باشند، و تعداد افرادی را طلب کند، اما تعداد بیش از حدی را درگیر نکنید. باید این چیزها را به خوبی هماهنگی کنید، چراکه روشنگری حقیقت در محیط‌های دیگر نیز مهم است.

روشنگری حقیقت به طور مستقیم و روشنگری حقیقت از طریق رسانه یکدیگر را کامل می‌کنند. نمی‌توانید فقط روی یک روش روشنگری حقیقت تکیه کنید. همان‌طور که دیده‌اید، در حال حاضر راه‌های متنوعی وجود دارد، شما به رویکردهای زیادی رسیده‌اید: اینترنت، تلویزیون، رادیو، توزیع وی‌سی‌دی، تماس تلفنی، نامه، فکس، توزیع کارهای ادبی، حقیقت را شخصاً به طور مستقیم روشن کردن، و شاگردان در چین پوستر می‌چسبانند، و البته پروژه‌هایی در حال انجام هستند که به روش‌های گوناگون، شیطان را به لرزه می‌اندازند. شما در حال استفاده از شکل‌های متعددی همراه هم هستید.

پرسش: دستیاران و هماهنگ‌کنندگان مکان‌های گوناگون در کره به طور خیلی مکرری عوض شده‌اند، و هیچ اصلی وجود ندارد که در انتصاب و عزل یک نفر دنبال شود. بسیاری از مریدانی که به طور فعالانه تذکیه‌ی اصلاح فا را انجام می‌دهند و در صفوف جلو در حال گام برداشتن هستند برداشته و جایگزین شده‌اند. بعضی افراد هم‌کنون دوبار نصب و عزل شده‌اند. بعضی از

آنهایی که اخیراً منصوب شدند فقط چند ماه پیش فا را کسب کردند، و تمام طول روز مشغول اداره‌ی امور بشری هستند. استاد، ممکن است لطفاً به من بگویید که آیا استانداردی عمومی برای نصب و عزل‌های انجمن دافا وجود دارد؟ آیا برای رییس انجمن مناسب است که صرفاً هر طور که مایل است تصمیم‌گیری کند؟

معلم: در مورد این، فکر می‌کنم که به هماهنگ‌کنندگان مان در کره پیشنهادی ارائه کنم: برای اینکه شاگردان مان بتوانند به‌خوبی تزکیه کنند، و به منظور اینکه تمام شاگردان در تزکیه‌شان به بلوغ برسند، آن همه تغییر ایجاد نکنید، چراکه در اصل، شور و اشتیاق شاگردان را از بین می‌برد. چیز دیگر این است که اگر پیوسته به آن صورت در حال تعویض افراد باشید، قبل از اینکه شاگردان از طریق [تأثیر] آبدیده‌کردن کار دافا به بلوغ رسیده باشند در حال جایگزین کردن آنها هستید، و سپس فرد بعدی که منصوب می‌شود دوباره پیش از اینکه به بلوغ برسد جایگزین می‌شود. کار دافا با هر نوع کار بشری فرق می‌کند. شما در حال یافتن راه خود از میان آب‌های کشف‌نشده هستید. دریابید که دستیاران و هماهنگ‌کنندگان مریدان دافا در مناطق مختلف چگونه باید کار خود را انجام دهند و خود را تا بلوغ آبدیده کنند، و به آنها کمک کنید که به بلوغ برسند. روش‌های هیچ رهبر یا مأمور اداری دنیوی، مناسب تزکیه‌ی دافا نیست، بنابراین باید روش خودمان را پیدا کنیم و به همه اجازه دهیم که آبدیده شوند. البته، اگر هماهنگ‌کنندگان واقعاً به فکر صلاح شاگردان هستند و این کار را بر اساس فا انجام می‌دهند، و سعی می‌کنند که به آن فرد کمک کنند که وابستگی‌اش به یک رهبر بودن را خارج کند، من با آن مخالفت نخواهم کرد. اما اگر مورد این نیست، آن وقت نباید آن را این‌طور که انجام می‌دهید انجام دهید. در طرف هماهنگ‌کننده، اگر شما دارید فکر می‌کنید، "من هر کسی را که به من گوش کند منصوب می‌کنم، و اگر کسی این کار را نکند او را برخواهیم داشت"، آن وقت این، بی‌مسئولیتی نسبت به دافا است، و این رویکرد درخور کار دافا نیست. یک هماهنگ‌کننده باید غالباً با شاگردان تبادل افکار کند، خودش را به عنوان یکی از شاگردان ببیند، و یک رویکرد "بیا بیا با هم امور را به‌خوبی انجام دهیم" داشته باشد. وقتی شاگردان به‌خوبی شما را بشناسند، کار دافا سریع‌تر و سریع‌تر به انجام خواهد رسید.

این انتقاد نیست. فقط دارم پیشنهاد می‌کنم که درباره‌ی چیزها با دیگران بحث و گفتگو کنید. پس در خصوص شاگردان مان، باید هماهنگ‌کنندگان مان را بیشتر یاری کنید. و در خصوص هماهنگ‌کنندگان مان، واقعاً باید ارتباط خود را با شاگردان مان افزایش دهید - با شاگردانی بیشتر و محدود‌تری وسیع‌تری از شاگردان. مطمئن باشید که قیافه‌ی نوعی رهبر به خودتان نگیرید. این انتقاد نیست. صرفاً دارم کمی فوت و فن به شما می‌آموزم. (تشویق)

پس در خصوص مریدان دافای کره، بسیاری از زمان‌ها شما در اصل عالی عمل کرده‌اید، و بسیاری از مریدان دافا در آنجا به‌خوبی تزکیه کرده‌اند. هر وقت می‌بینم که خوب عمل می‌کنید، و مخصوصاً، هر وقت که به صورت کلی با هم همکاری می‌کنید و تأثیر عظیمی دارید، انبوه خدایان شما را تحسین می‌کنند. و شما نقش مهمی در روشنگری حقیقت و مخالفت با شکنجه و آزار ایفا کرده‌اید. از نقاط قوت‌تان استفاده بپسندید و افکار درست مریدان دافا را به کار بگیرید، و حتی بهتر عمل کنید. خوب عمل کردن شما به خودی خود شیطان را می‌ترساند. استاد امیدوار است که هماهنگ‌کنندگان، همه‌ی شاگردان را به خوبی هدایت کنند، و امیدوار است که مریدان دافا کامل‌تر به بلوغ برسند.

پرسش: می‌خواهم که تماماً و کاملاً در دافا جذب شوم، به طور محکم و کوشا با خلوص و پاکی پیشرفت کنم، بهترین تلاشم را در سه کار ارائه دهم، و استاد را، که با رحمت و رنج ما را نجات داده است، مأیوس نکنم.

معلم: اگر تمام شما این درک را داشته باشید، موفق خواهیم شد که وظایف مان را به‌خوبی انجام دهیم. اشاره کردید که چگونه استاد با رحمت و رنج شما را نجات داده است، ولی اگر از من بپرسید، می‌گویم شما هستید که خارق‌العاده‌اید، شما که تا اینجایی که امروز هستید آمده‌اید. (تشویق)

همین دیروز درباره‌ی چیزی صحبت کردم: آیا می‌دانید در ابتدا با چه نوع شاگردانی روبرو بودم؟ خواه در سرزمین اصلی چین بود یا مناطق دیگر، شاگردان بسیار زیادی بودند که، بار اولی که به سالن سخنرانی وارد می‌شدند، به حضار نگاه می‌کردم و آنها را با انواع و اقسام جهان‌بینی‌هایی می‌دیدم که در بین افراد عادی شکل داده بودند، به‌زحمت هیچ کدام از آنها افکار خودش را داشت یا می‌توانست به چیزها با ذهنی شفاف نگاه کند. خیلی از افراد متزلزل بودند، و حتی وقتی که می‌گفتند دافا عالی است از

قلبشان نبود. به این، همه‌ی آن پنداشت‌هایی که داشتند را اضافه کنید، و بعضی افراد انواع و اقسام چی‌گونگ‌ها را یاد گرفته بودند – آن قدر زیاد که اعتیادآور شده بود. آیا آن افراد می‌توانستند به خدایان تزکیه کنند؟ همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، فرسنگ‌ها دورتر بودند. اما اینکه امروز به اینجایی که هستید آن را رسانده‌اید، اینکه امروز این اندازه به انجام رسانده‌اید، این واقعاً با عظمت است.

البته، به عنوان استاد شما، برای چه نوع افرادی بالاترین احترام را قائلم؟ در اصل، خدایان هم آن را همین‌طور می‌بینند: کسی که فکرش شفاف است – و من به افرادی که به شکل ناچیزی حيله‌گر یا زرنگ هستند اشاره نمی‌کنم، منظور من آن نیست، [درباره‌ی] کسی [صحبت می‌کنم] که افکار درست خودش را دارد، فکر خودش را دارد، با ذهن خودش فکر می‌کند، و توسط هیچ پیام خارجی تحت نفوذ نیست. ذهنش تار و مبهم نیست، و [مثل بعضی افرادی] نیست که وقتی دیگران می‌گویند چیزی خوب است، می‌گویند آن خوب است، و اگر دیگران بگویند چیزی بد است، می‌گویند که بد است، انگار که هویتی ندارند. اما امروز، چیزی که می‌بینم این است که همگی معقول و آرام هستید، و امور را به روشی متعادل انجام می‌دهید. حقیقتش، شما دیگر یکی از موجودات بشری عادی نیستید، و دیگر حتی نمی‌توانید که برگردید، واقعاً نمی‌توانید. (تشویق) تفاوت بین شما و افراد عادی بسیار بزرگ شده است.

پرسش: آیا نیروهای کهن درباره‌ی قانون ایجاد متقابل و بازداری متقابل می‌دانند؟

معلم: مسلم است که می‌دانند. آیا نیروهای کهن جلوه‌ای از الوهیت نیستند؟

پرسش: استاد، شما درباره‌ی این صحبت کردید که چگونه بسیاری از خدایان می‌خواستند که به صورت انسان باز پیدا شوند ولی پوست‌های بشری کافی وجود نداشت، بنابراین بسیاری از گیاهان و حیوانات، آنها هستند. از آنجا که حیوانات نمی‌توانند فا را کسب کنند، آیا این درست است که آنها فقط می‌توانند در فا جذب شوند؟

معلم: بله، درست است، اما پایه و اساسش این است که نگرش آنها نسبت به دافا باید مثبت باشد. در گذشته هنگامی که فا را پخش می‌کردم، برای مطمئن ساختن اینکه در کیهان آینده این فا هرگز ناتوان یا پژمرده نمی‌شود، مجبور بودم مسیر مستقیمی را بپیمایم، و بنابراین این قانون را گذاشتم که حیوانات نمی‌توانند فا را کسب کنند. مدت‌ها قبل نیز به این صورت بود که حیوانات مجاز نبودند فا را کسب کنند. و بعد در طول سالیان، رفته رفته همه چیز شروع به انحراف کرد، و حیوانات اجازه‌ی تزکیه یافتند، و رفته رفته حیوانات بیشتر و بیشتری تزکیه کردند. بنابراین در گذشته که در حال پخش کردن فا بودم و این را وضع کردم که حیوانات قرار نیست در دافا تزکیه کنند، وای، تمامی قلمروهای بسیار، آشوب به پا کردند. اما باز، قانون قانون است. اگر حیوانی بخواهد فا را کسب کند، می‌توانید به صورت یک انسان باز پیدا شوید و من به شما فرصتش را می‌دهم. در هر صورت، امروز به این دنیا رسیده‌اید، و در اصلاح فا، صرف‌نظر از اینکه آیا یک حیوان هستید، یک گیاه، یا هر نوع چیزی، صرفاً به طرز برخورداران نسبت به دافا نگاه می‌کنم. برای آنهایی که نسبت به دافا مثبت هستند، من می‌توانم همه چیز را حل و فصل کنم. معمول‌ترین حالت این است که بعد از اینکه جذب می‌شود کاری می‌کنم به هر جایی که از آن آمده است بازگردد. می‌توانم موضوع را حل و فصل کنم. حیوانات مجاز نیستند که مستقیماً در دافا تزکیه کنند، چراکه این، بی‌احترامی نسبت به دافا می‌بود.

پرسش: در این مرحله‌ی پایانی اصلاح فا، هم‌تزکیه‌کننده‌ای داریم که یکی از اعضای خانواده‌اش (که او نیز یک هم‌تزکیه‌کننده است) در حال گذر از میان از بین بردن کارما است، آن قدر شدید که نیازمند تزریقات است. در نتیجه، آنها نمی‌توانند به‌طور صاف و هموار برای اعتباربخشی به فا کار انجام دهند، و روی همدیگر تأثیر می‌گذارند. مایلیم از استاد گران قدر بپرسیم که آیا این ناشی از مشکل خود آنان است یا ناشی از مداخله؟

معلم: برای تزکیه‌کنندگان، هیچ چیز اتفاقی نیست. معمولاً این به روند رشد تزکیه‌کننده مرتبط است. اگر آن یک شاگرد جدید یا فردی است که کوشا نیست، آنگاه آن وضعیت وقتی که او آزمایشی را به خوبی نمی‌گذراند پیش خواهد آمد. اما اگر در حالی که مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا هستند مداخله‌ای جدی مثل این اتفاق بیفتد، آنگاه باید خادمان تاریک یا

اهریمنان پوسیده باشند که ما را شکنجه و آزار می‌کنند. افکار درست بفرستید که آنها را از بین ببرید. شاگردان جدید یا شاگردانی که به اندازه‌ی کافی کوشا نیستند، شما باید خودتان را در این رابطه بیشتر مورد مشاهده و بررسی قرار دهید.

پرسش: اخیراً، ائتلافی برای آزادی بیان و حقوق بشر، نشستی را در توکیو در زمینه‌ی وضعیت جاری حقوق بشر در چین و تلاش جهانی برای دادگاهی کردن جیانگ برپا کرد. فردی از انجمن فالون گونگ ژاپن سخنرانی‌ای در کنفرانس ایراد کرد، و سخنرانان دیگر شامل کسانی از تلاش جهانی آزادسازی، و ائتلاف جهانی برای دادگاهی کردن جیانگ بودند. بعضی هم‌تزرکیه‌کنندگان احساس می‌کنند که این روش انجام کار کاملاً مناسب نبود.

معلم: نمی‌توانید به آن شکل به آن نگاه کنید. باید این امر را که افراد عادی برای حمایت از ما آمدند به رسمیت بشناسیم، و بنابراین آیا بهتر نشد که شرکت کردیم؟ آن مثل این می‌بود که مردم دنیا بخواهند به فا اعتبار ببخشند ولی ما آن را تصدیق نکنیم. ما در حال مهار کردن شکنجه و آزار و افشای آن هستیم، و وقتی افرادی عادی درگیر هستند معنی‌اش این نیست که در حال درگیر شدن در سیاست هستیم. زمانی که در حال پخش کردن فا بودم، به سازمان نگاه نمی‌کردم، و به فرم‌ها نگاه نمی‌کردم، فقط به قلب مردم نگه می‌کردم. اهمیتی ندارد چه سازمانی است، تا زمانی که جامعه‌ی تبهکاران یا یکی از آن [سازمان‌هایی] که به طور وحشتناکی فرومایه یا فاسد هستند نباشد، اگر آن برای حمایت از دافا نزدمان بیاید، باید به افراد فرصتی برای اعتباربخشی به فا بدهیم – آیا اینجا نیامدیم که تمام موجودات را نجات دهیم؟ حتی اگر افراد منفرد از آن گروه‌های واقعاً بدی که ذکر کردم باشد که قلب این را دارند که بیایند به دافا اعتبار ببخشند، آن وقت هنوز باید فرصتی برای این کار به آنها بدهید، درست است؟

ولی چیزی هست که باید در ذهن داشت: مریدان دافا مطلقاً نمی‌توانند بروند و در نوعی چیز [سیاسی] که افراد عادی گرد هم آورده‌اند شرکت کنند – تا آنجا که ربطی به فالون گونگ ندارد، نمی‌توانید در آن شرکت کنید. اما اگر افراد در حال سازماندهی چیزی برای حمایت از فالون گونگ هستند، آن وقت اگر نمی‌رفتیم درست نمی‌بود.

پرسش: در جوان فالون نقطه‌ی تای‌جی یا آبی است یا قرمز یا سیاه، اما آنچه که در بعضی مطالب، چاپ شده سفید است. آیا این اشتباه است؟

معلم: در اصل، می‌دانید، رنگ‌ها در بعدها‌ی کیهان – قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی، و بنفش – آنها تغییر می‌کنند. تای‌جی نمادی است که نگرش دائویستی به کیهان را انعکاس می‌دهد، و بنابراین فقط می‌توانیم بگوییم که نمادی است که معرف سیستم دائویستی است. برای مثال، مدل‌های سیاه-قرمز و نیلی-قرمزی که درباره‌شان صحبت کرده‌ام فرم سیستم دائویستی را دارند. در رابطه با جاخالی‌های تای‌جی، آن را بیشتر مورد بررسی قرار دادم، و آن باید شفاف باشد، یعنی سفید – جاخالی‌های هر دو نوع تای‌جی، سفید هستند. در اصل، آن فقط نشانی است در شکل متجلی‌شده‌ی خود.

پرسش: فرزند من خودش را یک مرید دافا می‌نامد، و فا را دوست دارد، به دیگران درباره‌ی فا می‌گوید، و حقیقت را روشن می‌کند. اما مطالعه‌ی فا یا انجام تمرینات را برای خود جدی نمی‌گیرد. اگر او را ملزم به این کار کنم، آیا عمل نامناسبی است؟

معلم: اگر فرزند خیلی کم‌سن است نمی‌توانید او را مجبور کنید. وقتی بچه‌ای خیلی کم‌سن است از آنچه که بزرگ‌ترها انجام می‌دهند پیروی می‌کند. وقتی سنش بیشتر می‌شود و می‌تواند خودش با خواندن کتاب‌ها فا را مطالعه کند، آن وقت خودش [به تنهایی] در حال تزکیه خواهد بود.

پرسش: احساس می‌کنم که هنوز بعضی هم‌تزرکیه‌کنندگان در سنگاپور هستند که اغلب درباره‌ی دافا با پنداشت‌های بشری فکر می‌کنند. (معلم: بله) چگونه می‌توانیم این مسئله را رفع کنیم؟

معلم: بله، در خصوص هر چیزی که مریدان دافا انجام می‌دهند، آنها باید آن را بر پایه‌ی فا انجام دهند و درباره‌ی چیزها بر حسب فا فکر کنند. واقعاً شاگردانی هستند که وابستگی‌های بشری‌شان بیش از حد قوی است، و عده‌ای هستند که پشت سر افراد کارهای بدی انجام داده‌اند. دارم تمام اینها را تماشا می‌کنم.

پرسش: وقتی قبل از فکر کردن به کلمه‌ی "میه" برای از بین بردن شیطان، خودم را پاکسازی می‌کنم، آیا می‌توانم به کلمه‌ی "چو"^۳ فکر کنم؟

معلم: صرفاً همان طور که به شما می‌گویم انجام دهید. هر چه هم به فکرتان برسد، آنچه از شما می‌خواهم انجام دهید قطعاً قدرتمندترین است. (تسویقی) افکار درست بعضی شاگردان همیشه کمبود دارد، و هر وقت که باد در سرشان می‌افتد به فکر یک چیز متفاوتی می‌رسند. آن هنگامی است که توسط اهریمن‌ها استفاده خواهید شد، و شما به بیراهه رفته و مشکل خواهید داشت. آنهایی که راه را اشتباه رفتند یک‌شبه اشتباه نرفتند. به آن شکل به آهستگی شروع کردند.

پرسش: همه‌ی شاگردان هنگ کنگ به استاد درود می‌فرستند. مریدان دافا چگونه باید فعالیت‌هایی را اداره کنند که توسط افرادی عادی سازمان‌دهی شده است که مقاصد کاری سیاسی یا مقاصدی دیگر دارند؟

معلم: آنچه که افراد عادی انجام می‌دهند ارتباطی با ما ندارد. اما وقتی افراد عادی توسط مخالفت با شکنجه و آزار فالون گونگ از ما حمایت می‌کنند، یا وقتی با سرکوب حقوق بشر توسط چین مخالفت می‌کنند، نمی‌توانید بگویید که ارتباطی به فالون گونگ ندارد. در هنگ کنگ، در این زمان، وقتی افراد عادی از ما دعوت می‌کنند که بخشی از اموری باشیم که مربوط به ما هستند، و اگر آن صلح‌آمیز و معقول باشد، آن وقت می‌توانیم شرکت کنیم. فقط دارم می‌گویم که هنگ کنگ می‌تواند شرکت کند. اگر ارتباطی با ما ندارد و اصلاً به ما مرتبط نیست، آن وقت نمی‌توانیم شرکت کنیم. این باید برایتان روشن باشد.

برای مثال، دفعه‌ی قبل که آنها در حال مخالفت با ماده‌ی ۲۳ بودند، وقتی آن رویداد بزرگ و پویا وجود داشت، آیا آنها آن را برای فالون گونگ انجام ندادند؟ (معلم می‌خندد) و بعد از آنکه روی داد، فعالان دموکراسی، افراد از گروه‌های اجتماعی گوناگون، افراد در دواپر سیاسی، و افراد زیادی از جریان اصلی جامعه شروع کردند که به‌دقت به فالون گونگ نظر بیندازند. و برای همین است که فکر می‌کنم عموم مردم هنگ کنگ اکنون درک روشنی از فالون گونگ دارند. البته، همان طور که در این گفته آمده است، "آگهی‌ای که همه جا به‌دیوار زده شده هنوز نمی‌تواند فرد بی‌سواد را مطلع کند"، بنابراین هنوز مطمئناً افرادی هستند که جا مانده‌اند، هنوز مطمئناً افرادی هستند که حقیقت را نمی‌دانند، و برای همین است که لازم است به انجام امور برای روشننگری حقیقت ادامه دهید.

پرسش: هنگ کنگ چگونه می‌تواند در استفاده از رسانه برای اعتباربخشی به فا نقش بهتری ایفا کند؟

معلم: روزنامه نیاز دارد که به تدریج در جامعه وارد چرخه‌ی مثبتی شود و یک رسانه‌ی جریان اصلی شود. رسانه‌ای که توسط مریدان دافا اداره می‌شود قطعاً رسانه‌ی جریان اصلی خواهد شد. (تسویقی) نه تنها رسانه‌ی جریان اصلی می‌شود، بلکه در آینده بزرگ‌ترین رسانه‌ی دنیا خواهد بود. (تسویقی) در واقع، چارچوب روزنامه‌ای که اداره می‌کنید همین حالا نیز بزرگ‌ترین است. یک رسانه در هر کشوری را در نظر بگیرید، و آن فقط کشورهای آن منطقه را پوشش می‌دهد. هر قدر هم آن کشور بزرگ باشد، هنوز فقط یک رسانه‌ی ملی است، هر چند که روزنامه‌ها می‌توانند در کشورهای دیگر توزیع شوند. و هیچ یک از آنها آن اندازه اثر و نفوذ ندارد.

در گذشته، بعضی روزنامه‌های چینی‌زبان، توزیع گسترده‌ای داشتند، اما بسیاری از آنها بعدها تطمیع شدند، و اکنون حس عدالت خود را از دست داده‌اند و جرئت نمی‌کنند حقیقت را گزارش کنند. اگر کسی بخواهد گزارش‌هایی صادقانه ببیند، ناچار است رسانه‌ای را بخواند که شما اداره می‌کنید.

^۳ یادداشت مترجم: کلمه‌ی مشابهی است که به معنی "خلاص شدن"، "از بین بردن"، یا "از میان برداشتن" است.